

علم ارسال آن نگاشته باشند صاحب رجستر را بايد که سبب مذکور را در کیفیت مندرجه خود بر نکارند *

دفعه هفتم

ذکر جاری کردن احکام مرقومه الذیل درباره اعانت صاحب رجستر

دفعه هذا مشتمل است بر پنج دفعه اول اینکه بهد نظر این معنی که درباره تیار کردن کیفیت باسانی و استعمال صاحب رجستر را اعانتی حاصل باشد احکام مرقومه الذیل صادر گردید *

ذکر نوشتن تعداد مقلدین انحصالی صاحبان عدالتها بموجب نقشه *

دوم اینکه صاحبان عدالت دیوانی اضلاع و شهرها را باید که بذیل فهرست ماهراری خود تعداد همگی مقلدات انحصالی خود را بموجب نقشه مندرجه ذیل بر نکارند *

مقدمات انحصالی جج بابت فیصله رجستر که اپیل شده بود

دگری یا دسمس دو بابت فیصله متخاصمین برضا و رغبت خودها دو مقرر

مقدمات فیصله کمیشنران ملکی که اپیل شده بود

دگری یا دسمس دو بابت فیصله متخاصمین برضا و رغبت خودها دو مقرر

مقدمات انحصالی جج موصوف که خود اول تجویز آن نموده بودند

دگری یا دسمس دو بابت فیصله متخاصمین برضا و رغبت خودها دو مقرر

مقرر

مقدمات انحصالی رجستر

دگری یا دسمس دو بابت فیصله متخاصمین برضا و رغبت خودها دو مقرر

مقدمات فیصله کمیشنران ملکی

دگری یا دسمس دو

بابت فیصله متخاصمین برضا و رغبت خود ها دو

لله

عبد المومنین

مقررہ

المقررہ

سوم اینکه صاحبان عدالت های دیرانی اضلاع و شهر ها را باید که بدیل فهرست شش شش ماه خود ها تعداد مقدمات ملتوی مانده به موجب نقشه مرقومه الذیل برنکارند *

ذکر نوشتن تعداد مقدمات ملتوی مانده در فهرست شش شش ماه *

مردن ما اینکه پیش جج ملتوی است

مقدمات انفصالی رجستر که اپیل شده بود دو

مقدمات انفصالی کمیشنر ان که اپیل شده بود دو

مقدماتیکه تجویز اول ان از جج تعلق دارد دو

لله

مقدمانیکه پیش رجستر ملتوی است دو

مقدمانیکه پیش کمیشنر ان ملکی ملتوی است دو

لله

ک — مقدمه

مقررہ

المقررہ

چهارم اینکه صاحبان کوریت های اپیل مفصل را باید که بدیل فهرست ماشواری خود ها تعداد مقدمات اپیل و مقدمانیکه اول تجویز ان نموده انفصال کرده باشند به موجب نقشه مرقومه الذیل برنکارند *

ذکر نوشتن تعداد مقدمات در فهرست ماشواری *

مقدمات بابت اپیل

داری یا دسمس دو

بابت فیصله متخاصمین برضا و رغبت خود ها دو

لله

مقدمانیکه اول تجویز آن پیش صاحبان

کوریت مذکور شده بود

داری یا دسمس دو

بابت فیصله متخاصمین برضا و رغبت خود ها دو

لله

لله

مقررہ

المقررہ

پنجم اینکه صاحبان کوریت های اپیل مفصل را باید که بدیل فهرست بعد شش شش ماه خود ها تعداد مقدمانیکه ملتوی مانده به موجب نقشه مرقومه الذیل برنکارند *

مقدمات

قانون سی و ہفتم سنہ ۱۷۹۵ عیسوی

مقدمات بابت اپیل
مقدماتیکہ اول تجویز آن از صاحبان
موصوفین تعلقدار
مقررہ

دو
دو
لایہ

**A TRUE TRANSLATION,
H. P. FORSTER.**

[Reg. 37 of 1795—5.]

قانون سی و هشتم سنه ۱۷۹۵ عیسوی

قانون درباب گرفتن رسوم در ابتدای رجوع مقدمات و نیز در اثناي نچویز آن به جمیع عدالتهای دیوانی و نیز گرفتن رسوم عرایضی که در عدالتهای مزبور بگذرد و نیز گرفتن رسوم در مقدماتیکه بموجب دفعه ششم ضمن دفعه پنجم قانون چهل و سه سنه ۱۷۰۳ عیسوی پیش کمیشنران از روی علاقه منصفی رجوع گردد و نیز تعیین اینکه رسومات مزبور حق کدام است و آنکه بتاریخ دهم ماه اپریل سنه ۱۷۹۵ عیسوی مطابق سی ام ماه چیت سنه ۱۲۰۱ بنکته موافق ششم ماه بیساکه سنه ۱۲۰۲ فصلی مطابق سی ام ماه چیت سنه ۱۲۰۲ ولایتی موافق ششم ماه بیساکه سنه ۱۸۵۲ نسبت مطابق نوزدهم شهر رمضان سنه ۱۲۰۹ هجری *

دفعه اول

از آنجا که در ابتدای نالش بمقدمات دیوانی هیچگونه خرج عاید حال مدعی مقدمه نمیگردد و در انتهای مقدمه نیز هر قدر خرج که بابت ایام رویکار ماندن مقدمه لازم می آید آن هم معین بلکه قدری قلیل است و نیز آنچه دست آویزات و کواعذ در عدالت داخل میشود و هر چه عرایض خارج از مقدمات مرجوعه بعدالت میکند بران هم چیزی رسوم مقرر نیست درینصورت بسا مقدمه که محض بیجا و ممتنی بر ابتدا رسائی باشد در پیش میگردد و هم بعثت داخل شدن دست آویزات غیر ضروری و طلب شدن کواهان آنها برای دریافت حقیقت مقدمه احتیاج ندارد کثرت کار صاحبان عدالت بعدی افزایش گرفته که از صاحبان عدالت مزبور انفصال مقدمه به آنقدر سرعت از منته که برای باز داشتن مردمان را از ارجاع دعاوی ادبیت آمیز دخلی کمی دارد و هم مانع رهنائی آنها از ادای حقوق واجبی یکدیگر و هم باعث مروج و موثر بودن اوامر و نواهی مندرجه قوانین حضور باشد محال است پس بالفعل که جمیع مردمان وسیله تعمیل و اجرای قوانین حضور را که در حق خود ها به آسانی تمام حاصل دارند ذریعه ارتکاب امور قبیحه میسازند انسداد آن از جمله واجبات است و تدبیری که موجب انسداد باشد بهتر ازین متصور نیست که برای رجوع و نچویز مقدمات بعدالت چیزی رسوم معین گردد بناء علیه قواعد آن بموجب تفصیل الذیل مقرر گردید *

دفعه سوم

دفعه هده مشتمل است بر چهار دفعه اول اینکه بموجب قانون چهل سنه ۱۷۹۳ عیسوی کمیشنرانیکه علاقه منصفی بیابند آنها را باید که در هر مقدمه که بدریعه علاقه منصفی پیش آنها رجوع شود بالای مقدار زر نقد یا مالیت جنس متنازع فیها فی رویه بحساب یک آنه رسوم در ابتدای نالش از مدعی بکیرند *

درم اینکه بکمیشنرانیکه علاقه منصفی دارند نمی باید که تاوقت داخل شدن رسوم مقرری مقدمه را مسموع نمایند *

سوم اینکه بکمیشنرانیکه علاقه منصفی دارند باید که هر قدر رسوم که از مدعی بحساب مرقومه الصلر بکیرند تعداد آن معه تاریخ داخل شدن آن بر

ظهر عرضی مدعی درج نموده بزیر آن دستخط خود ها نمایند و نیز تعداد مزبور را در میان خانه سوم فهرست مقدمات مرجوعه علاقه منصفی که در باب ارسال آن بعدالت بدفعه پانزدهم قانون چهل مزبور حکم است بعد تجویز خلاصه شرح انفصال آن مقدمه درج نمایند *

چهارم اینکه به کمیشنرانیکه علاقه منصفی دارند باید که آنچه رسوم بموجب دفعات مرقومه الصلر از مدعی بکیرند آن را مرد صحت خود ها که تجویز و انفصال مقدمات نمایند و نیز عوض زیرباری خود ها احمیانا اگر در انصرام امورات مغرضه آنها اتفاق افتد پنداشته بصرف خود ها در آرند *

دفعه سوم

دفعه هده مشتمل است بر هفت دفعه اول اینکه هرگاه هر مقدمه در مدتتهای اصلاح یا شهرها رجوع گردد مدعی آن مقدمه را باید که رسوم بحساب مرقومه الدلیل داخل نماید و صاحبان عدالت های مزبور را امتناع است از اینکه تا داخل شدن رسوم مقرری عرضی نالش را در مثل عدالت داخل سازند *

دوم اینکه تفصیل حساب رسوم این است در مقدمات دعوی زر نقد یا اسلاک منقوله در صورتیکه مقدار یا مالیت آن زیاده از پنجاه رویه سکه نباشد رسوم فی رویه بحساب یک آنه در صورتیکه زیاده از دو صد رویه سکه نباشد رسوم فی رویه بحساب نیم آنه در صورتیکه زیاده از یک هزار رویه سکه نباشد سر یصد بحساب سه رویه در صورتیکه زیاده از پنج هزار رویه سکه نباشد سر یصد بحساب دو رویه در صورتیکه زیاده از بیست و پنجهزار رویه سکه نباشد سر یصد

ذکر تقرر رسوم فی رویه بحساب یک آنه بالای مقدار و مالیت شی متنازع فیه در مقدمه که بدریعه علاقه منصفی پیش کمیشنران رجوع شود *

ذکر عدم استماع مقدمه تا داخل شدن رسوم مقرری *

ذکر کید بکمیشنرانیکه علاقه منصفی دارند در اینکه هر قدر رسوم از مدعی بکیرند تعداد آن بر عرضی نالش و غیره درج نمایند *

ذکر اینکه کمیشنرانیکه علاقه منصفی دارند آنچه رسوم بکیرند آن را بتصرف خود هادر آرند *

ذکر تقرر رسوم در مقدمات مرجوعه عدالتتهای اصلاح و شهرها *

ذکر طریق تعیین مقدار رسوم مبلغیکه زیاده از پنجاه رویه سکه باشد *

سریصد بحساب یکروپیه در صورتیکه زیاده از پنجاه هزار روپیه سکه نباشد
 سریصد بحساب هشت انه در صورتیکه زیاده از پنجاه هزار روپیه سکه باشد
 سریصد بحساب چهارانه گرفته خواهد شد لیکن طریقی تعیین مقدار رسوم
 این است مبلغیکه زیاده از پنجاه روپیه سکه باشد و متجاوز از دو صد روپیه
 سکه نگردد بر پنجاه روپیه ان فی روپیه بحساب یک انه و بر تته ان فی روپیه
 بحساب نیم انه و مبلغیکه زیاده از دو صد روپیه سکه باشد و متجاوز از
 یک هزار روپیه سکه نگردد بر پنجاه روپیه ان فی روپیه بحساب یک انه و بر
 یکصد و پنجاه روپیه تته ان فی روپیه بحساب نیم انه و بر کل تته ان سریصد
 بحساب سه روپیه رسوم محسوب خواهد گردید و بهمین شرح و دستور مرقومه
 الصدر بر مبلغی که زیاده از یک هزار روپیه سکه باشد رسوم معین خواهد گردید *
 سوم اینکه رسوم مقدمات اراضی خراجی بالای جمع سالانه ان بشرح و
 دستور مرقومه الصدر از مدعی گرفته خواهد شد *

ذکر طریقی تعیین رسوم
 مقدمات اراضی خراجی

چهارم اینکه رسوم مقدمات اراضی لاخرجی بالای ماحصل سالانه ان بشرح
 و دستور مرقومه الصدر از مدعی گرفته خواهد شد مقدار ماحصل مزبور بموجب
 قاعده مندرجه دفعه سوم قانون چهارم سنه ۱۷۹۳ عیسوی معین خواهد گردید *

ذکر طریقی تعیین رسوم
 مقدمات اراضی لاخرجی

پنجم اینکه رسوم مقدمات حویلی و تالاب و باغ و غیره املاک غیر منقوله آنچه
 از قسم اراضی مندرجه دفعه سوم و چهارم ضمن دفعه سوم نباشد بالای مالیت
 مشخصه املاک مزبوره بشرح و دستور مرقومه الصدر از مدعی گرفته خواهد شد *

ذکر تعیین رسوم مقدمات
 املاک غیر منقوله برای
 اراضی خراجی و لاخرجی

ششم اینکه مقدماتیکه از صاحبان عدالت بموجب قانون هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی
 جهت تجویز و انفصال بصاحبان رجستر تفویض یافته خواه از روی تجویز انها
 خواه از روی راضی نامه انفصال یابد رسوم ان مقدمات هر قدر حسب مندرجه
 دفعات مرقومه الصدر بوصول دراید ان همگی حتی صاحبان رجستر شده به
 تصرف انها خواهد درآمد *

ذکر اینکه در مقلد ماتیکه
 پیش صاحبان رجستر
 برای تجویز مفروض گردد
 رسوم ان مقدمات حتی
 انها خواهد گردید *

هفتم اینکه مقدماتیکه از صاحبان عدالت بموجب قانون چهارم سنه ۱۷۹۳ عیسوی
 جهت تجویز و انفصال بذریعه علاقه امینی به کمیشنران تفویض یافته یا بذریعه
 علاقه ثالثی پیش انها رجوع شده خواه از روی تجویز انها خواه از روی راضی نامه
 انفصال یابد رسوم ان مقدمات هر قدر حسب مندرجه دفعات مرقومه الصدر
 بوصول دراید ان همگی از تحویل عدالت بطریقی مزد محنت کمیشنران و
 عوض زبیرباری انها احیانا اگر در انصرام امورات مفروضه انها اتفاق افتد به
 کمیشنران مزبور خواهد رسید *

ذکر اینکه در مقلد ماتیکه
 پیش کمیشنران برای
 تجویز بذریعه امینی
 مفروض گردد یا بذریعه
 علاقه ثالثی پیش انها
 رجوع شود رسوم ان مقدمات
 از تجویز عدالت نائها
 خواهد رسید *

دفعه چهارم

دفعه هفده مشتمل است بر سه دفعه اول اينکه در مدماتيکه اول تجويز آن صاحبان عدالت اضلاع يا شهرها يا صاحبان رجستر عدالت ها بعمل آيد رسوم بشرح مرقومه الذيل گرفته خواهد شد *

ذکر شرح رسومي که در اثنای تجويز مدمات بعد اتمهای اضلاع و شهرها يارو بروي صاحبان رجستران عدالت ها گرفته خواهد شد *

در مدمات زر نقد و املاک منقوله که مقدار و ماليت آن زياده از دو صد روپيه سکه نباشد و در مدمات اراضي لاخراجي که ماحصل سالانه آن زياده از بيست روپيه سکه نباشد و در مدمات اراضي لاخراجي که جمع سالانه آن زياده از دو صد روپيه سکه نباشد و در مدمات ديگر املاک غير منقوله سواي اراضي لاخراجي و خراجي مزبور که ماليت آن تخميناً زياده از دو صد روپيه سکه نباشد رسوم بشرح مرقومه الذيل گرفته خواهد شد *

سواي عرضي نالش و جواب ورد جواب و جواب الجواب هر قدر دست آويز داخل شود في دست آويز چهار آنه در مدمات زر نقد و هر قسم املاک که مقدار با ماليت يا جمع سالانه يا ماحصل سالانه آن متجاوز از مقدار مرقومه الصدر باشد ليکن آنقدر متجاوز نگردد که مقدمه بموجب قوانين حضور لايق اپيل صدر ديواني عدالت تواند شد رسوم بشرح مرقومه الذيل گرفته خواهد شد *

سواي عرضي نالش و جواب ورد جواب و جواب الجواب هر قدر دست آويز داخل شود في دست آويز هشت آنه در مدمات زر نقد و هر قسم املاک که مقدار با ماليت يا جمع سالانه يا ماحصل سالانه آن آنقدر باشد که مقدمه بموجب قوانين حضور لايق اپيل صدر ديواني عدالت تواند شد رسوم بشرح مرقومه الذيل گرفته خواهد شد *

سواي عرضي نالش و جواب ورد جواب و جواب الجواب هر قدر دست آويز داخل شود في دست آويز يکروپيه دوم اينکه رسومي که بموجب دفعات ضمن دفعه چهارم معين شود بعد انقصال مقدمه بوصول خواهد درآمد و بايد که مقدار آن در دگري مع ديگر اخراجات آن مقدمه مندرج گردد *

ذکر وصول وجه رسوم بعد انقصال مقدمه *

قانون هي و هشتم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

سوم اينكه هر قدر رسوم بموجب دفعات ضمن دفعه چهارم بوصول در آيد آن همگي حق سرکار خواهد گشت *
 ذکر اینکه رسومات مندرجه دفعه چهارم حق سرکار خواهد گشت *

دفعه پنجم

دفعه هذا مشتمل است بر سه دفعه اول اينکه مقدماتي که کميستران بموجب قانون چهلّم سنه ۱۷۹۳ عيسوي مقرر شده خواه بذريعه علاقه اميني خواه بذريعه علاقه نالشي خواه بذريعه علاقه منصفي انفصال نمايند و مقدماتيکه صاحبان رجستر بذريعه اختيار حسب مندرجه قانون هشتم سنه ۱۷۹۴ عيسوي انفصال سازند هرگاه اپيل اين هر دو قسم مقدمات پيش صاحبان عدالت اضلاع يا شهرها برسد رسوم اپيل آنها همگي مقدمات در ايند اي رجوع مقدمات مزبوره و نيز در اثنای تجویز آن بر مقدار یا ساليت یا جمع سالانه یا ما حصل سالانه اسلاکي که مقدمه آن باشد مطابق شرح و احکام مندرجه دفعه سوم و چهارم گرفته خواهد شد *

دوم اينکه بعد نظر دفع اشتباه و اندج کرده مي شود در صورتیکه کسی بعد انفصال هيچچک مقدمه در خواست اپيل آن پيش صاحب عدالت با در صورت انفصال يافتن آن از دست صاحب رجستر پيش صاحب رجستر موصوف بدلراند و آنصاحب عدالت با صاحب رجستر موصوف در صورتیکه بلحاظ حکم مندرجه دفعه اول ضمن دفعه سوم بسبب داخل نشدن رسوم اپيل در خواست مزبور را نپذيرند و آن در خواست کسده اپيل هم نا اثنای سيعا بانه در اي کدرانيدن در خواست اپيل معين است رسوم داخل نکند بد خواست کدله مزبور بعلت اينکه او بلا رسوم در عرصه معينه در خواست اپيل گذرانيد و هرگز متصور نگرده او را بار براي اپيل آن مقدمه اختيار حامل باشد بلکه اصل او سواي در صورت بانه صاحب عدالت بذريعه اختيار حسب مندرجه دفعه بستم قانون چهلّم سنه ۱۷۹۳ عيسوي يا صاحب رجستر بذريعه اختيار حسب مندرجه دفعه دوم ضمن دفعه سوم قانون هي و هشتم سنه ۱۷۹۵ عيسوي گرفتن آن اپيل مناسب دانند دسوس خواهد شد *

سوم اينکه هر قدر رسوم بموجب دفعات ضمن دفعه پنجم بوصول در آيد همگي حق سرکار خواهد گشت *
 ذکر اینکه رسومات مندرجه دفعه پنجم حق سرکار خواهد گشت *

دفعه ششم

دفعه هذا مشتمل است بر دو دفعه اول اينکه در اپيل مقدماتيکه بعد انفصال از عدالت اضلاع و شهرها بعدالت هاي اپيل مفصل برسد و در اپيل مقدماتيکه بعد انفصال از عدالتهاي اپيل مفصل بعد ديواني عدالت برسد.

قانون نهي و هشتم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

و در مقدمه آنکه اول تجویز آن بصدور دیوانی عدالت و عدالتهای اپیل مفصل گردد در ابتدای رجوع مقدمات مزبوره و نیز در ابتدای تجویز آن بر مقدار یا مالیت یا جمع سالانه یا حاصل سالانه املاکی که مقدمه آن باشد مطابق شرح و احکام مندرجه دفعه سوم و چهارم و دفعه دوم ضمن دفعه پنجم رسوم گرفته خواهد شد *

عدالت و عدالتهای اپیل مفصل رجوع شود رسوم گرفته خواهد شد

دوم اینکه هر قدر رسوم بموجب دفعات ضمن دفعه ششم بوصول در آید همگی حق سرکار خواهد گشت *

ذکر اینکه رسومات مندرجه دفعه ششم حق سرکار است *

دفعه هشتم

دفعه هذا مشتمل است بر سه دفعه اول اینکه رسومی که برای گرفتن آن در ابتدای رجوع مقدمه دعوی مقدمه اپیل بموجب دفعات صدر قانون هذا حکم است بصاحب عدالتی یا کمیشنری که آن مقدمه دعوی یا مقدمه اپیل بتجویز او در آید باید که رسوم مزبور را بر خرجه که دگری آن بنام مغلوب آن مقدمه گردد اضافه نماید مگر در صورتیکه صاحب عدالت یا کمیشنر مزبور بلحاظ حالت مقدمه مناسب داند او را اختیار است که در باب دهان نیدن رسوم مزبور از طرفین بحساب کم و زیاد خرجه مقتضی انصاف تصور کند حکم نماید *

ذکر اینکه رسومی که در ابتدای رجوع مقدمه بموجب دفعات صدر گرفته شود آن رسوم در انتهای آن مقدمه از کدام کس دها نیده خواهد شد *

دوم اینکه رسومات دست آویز و طلب چتهی ها که در باب ادای آن بعد انفصال مقدمه دعوی و مقدمه اپیل حکم است باید که تفصیل آن معه تفصیل خرجه دیگر بلا تفاوت در دگریها مندرج گردد و رسومات مزبوره قسمی که صاحب عدالت بلحاظ حالت مقدمه مناسب داند خواه همگی از مغلوب خواه از طرفین بحساب کم و زیاد خرجه مقتضی انصاف پندارند خواهند دهانید *

ذکر اینکه رسومات دست آویزات و طلب چتهی ها و غیره که در باب ادای آن بعد انفصال مقدمه حکم است از کدام کس دهانیده خواهد شد *

سوم اینکه مقدمات دعوی و اپیل هر چه در عدالت اضلاع یا شهرها یا در عدالت های اپیل مفصل یا بصدور دیوانی عدالت رو بکر شده از روی داخل شدن راضینامه های طرفین انفصال گردد رسومات دست آویزات و طلب چتهی ها و غیره متعلقه آن مقدمات آنچه واجب الطلب خواهد شد اول از مدعی یا اپیلانت گرفته خواهد شد بعد از آن مدعی مزبور از مدعی علیه اپیلانت ملکوری رسپاندنت انفصال از این معنی که عمده آن رسومات بحساب چقدر بدمه هر واحد آنها شود خود خواهد نمود *

ذکر اینکه اگر هیچیک مقدمه رجوعه هیچیک عدالت از روی راضی نامه طرفین انفصال یابد رسومات دست آویزات و طلب چتهی و غیره از کدام کس اندا خواهد گشت *

دفعه هشتم

صاحبان صدر دیوانی عدالت و عدالتهای اپیل مفصل و عدالتهای اضلاع و شهرها را اختیار است که بلحاظ قواعد و احکام که بقانون چهل و هشتم سنه ۱۷۹۳ عیسوی در باب

ذکر اختیار صاحبان عدالتها در اینکه بلحاظ

در باب مردمان مفلس که اهلست سوال و جواب مقدمه خود بمانندارند و هم بدادن ضمانت جهت ادای رسوم و کالت حسب تا کیل مندرجه قانون مزبور متعذراند مندرج است در مقدمه مایکه مدعی یا مدعی علیه آن محض مفلس و بی استطاعت باشد رسوم آنچه بموجب دفعات صدر قانون هذا معین است معاف نماید و علی هذا القیاس به کمیشنرانیکه آنها علاقه منصفی دارند اختیار است که رسومات مقدمه مایکه بذریعه علاقه منصفی بیش آنها رجوع شود بپاس احکامی که نسبت به صاحبان مدانتها از روی دفعه هذا واقع است معاف سازند *

دفعه نهم

در ابضی که خارج از مقدمات دعوی یا اپیل مرجوعه در صدر دیوانی عدالت یا عدالتهای اپیل مفصل و عدالتهای اضلاع و شهرها بگذرد رسوم آن بشرح و حساب مندرجه دومه چهارم حسب کیفیت املاک مندرجه هر یک عرضی گرفته خواهد شد و تا وقتیکه رسوم مزبور داخل نشود عرضی بمثل عدالت داخل نخواهد گردید الا در صورتیکه صاحب عدالت بلحاظ حالت مفلسی عرضی دهنده معاف نمودن رسوم مزبور مناسب دانند *

دفعه دهم

دفعه هذه مشتمل است بر چهار دفعه اول اینکه آنچه رسومات بموجب شرح و حساب مندرجه قانون هذا در ابتدای رجوع مقدمات دعوی و اپیل که آینده در عدالتهای اضلاع و شهرها و عدالتهای اپیل مفصل و صدر دیوانی عدالت رجوع گردد گرفته خواهد شد نیز بهمان شرح و حساب در مقدمات دعوی و اپیل که بعد غره ماه می سنه ۱۷۹۳ عیسوی در عدالتهای مذکورین رجوع شده الی الان رویکار باشد بلحاظ احکامیکه در مقدمه رسوم نسبت بمردم مفلس اصدار یافته رسوم گرفته خواهد شد مگر در صورتیکه متخاصمین آن مقدمات بتراعی طرفین راضیانه داخل ساخته مقدمه خود لها موقوف گردانند رسوم گرفته نخواهد شد *

دوم اینکه صاحبان جمیع عدالت را باید که بعد وصول قانون هذا هر قدر زودتر شود قطعه اشتهار نامه منضمین بر ایجابی داخل ساختن مدعی و اپیلانست رسوم مقدمه مایکه بعد غره ماه می سنه ۱۷۹۳ عیسوی رجوع شده الی الان رویکار باشد بعدالت خود لها آویزان گردانند در صورتیکه مدعی یا اپیلانست آن مقدمات در عرصه یکماه از تاریخ اشتهار نامه مذکوره رسوم مزبور داخل نسازند یا مقدمات خود لها را حسب مندرجه دفعه صدر موقوف نگردانند در عدالتیکه آن مقدمات رجوع باشد صاحب آن عدالت را باید که مقدمات مزبور را دهمس خواهد شد *

قواعد و احکام مسطره
المتن مردمان مفلس
را از ادای رسوم مقرری
معاف مینمایند داشت
ذکر اختیار کمیشنرانیکه
علاقه منصفی دارند در
اینکه رسوم مقدمات
مرجوعه خودها بپاس
احکامیکه نسبت بصاحبان
عدالت بدفعه هذا است
معاف خواهند نمود *

ذکر اینکه هر مقدمه در
هر عدالتیکه بعد غره
می سنه ۱۷۹۳ عیسوی
رجوع شده الی الان
رویکار است رسوم آن
بموجب دفعات صدر کرده
خواهد شد *

ذکر عدم گرفتن رسوم در
مقدمات مرقوقمه الصدراکه
از روی راضیانه طرفین
موقوف گردد *

ذکر اینکه اگر در عرصه یکماه
از تاریخ اشتهار نامه رسو
مقدمه که بعد غره می
سنه ۱۷۹۳ عیسوی رجوع
شده الی الان رویکار
است داخل نشود یا مقدمات
موقوف نگردد دهمس
خواهد شد *

نمایند و وجه خرج هم سرای در صورتیکه مدعی یا اپیلانت مزبور سببی موجب
در باب عدم داخل ساختن رسوم مزبور بعدالت ظاهر نماید از و بمدعی علیه
یا رسانندت بدهند *

صوم اینکه کسانیکه مقدمات دعاوی یا اپیل آنها حسب مندرجه دفعه صدر
دسمس گردد آنها را اختیار است که رسوم داخل ساخته باز آن مقدمات را در عدالت
رجوع گردانند *

چهارم اینکه هر قدر رسوم بموجب دفعات ضمن دفعه چهارم بوصول در
آید حق سرکار خواهد گشت *

دفعه یازدهم

بشرح و حساب مندرجه صدر آنچه رسومات دست آویزات و طلب چتهی ها
و غیره در اثنای تجویز مقدمات دعاوی و اپیل که آید رجوع شود گرفته خواهد
شد نیز بهمان شرح و حساب رسومات دست آویزات و طلب چتهی ها و
غیره در اثنای تجویز مقدمات دعاوی و اپیل که از قبل یا بعد غرض ماه می سنه
۱۷۹۳ عیسوی رجوع شده الی الان رو بکار باشد بلساط احکامیکه در مقدمه
رسوم نسبت بمردم مفلس اصدا یافته گرفته خواهد شد و این همگی رسومات
حق سرکار خواهد بود *

دفعه دوازدهم

هر مرضی که از قسم عرایض مندرجه دفعه نهم قبل تاریخ قانون هذا بصدر دیوانی
عدالت و عدالتهای اپیل مفصل و عدالت اضلاع و شهرها داخل شده تا حال
چیزی حکم بران صادر نشده باشد رسوم آن بشرح و حساب مندرجه صدر به
لساط احکامیکه در مقدمه رسوم نسبت بمردمان مفلس اصدا یافته گرفته خواهد
شد و بصاحبان جمیع عدالتها امتناع است که تا داخل شدن رسوم اینقسم
عرضی چیزی حکم بر آن صادر نمایند و هر قدر رسوم که بموجب دفعه هذا
بوصول رسد همگی حق سرکار خواهد گردید *

ذکر اینکه مقل مه که
بموجب مرقومه الصدر
دسمس شود بعد داخل
شدن رسوم باز رجوع
نمی تواند شد *

ذکر اینکه رسومات
مندرجه دفعه چهارم
حق سرکار است *

ذکر اینکه رسومات دست
آویز و غیره در اثنای
تجویز مقدمات دعاوی
و اپیل که الی الان رو بکار
است گرفته خواهد شد *

ذکر گرفتن رسوم عرایضی
که از قسم مندرجه دفعه
نهم در عدالتها داخل
شده چیزی حکم بران
صادر نشده باشد *

ذکر اینکه رسوم مزبور
حق سرکار خواهد گشت *

قانون مالی و نهم سنه ۱۷۹۵ عیسوی

قانون در باب موقوفی محصولات شهر کلکتہ کہ بموجب احکام دفعہ بیست و یکم لغایت آخر قانون چهل و دوم سنه ۱۷۹۳ عیسوی گرفته می شود و تقرر سابق محصولات سرکاری بتغیر و تمذیل بعض مراتب کہ در شهر مذکور بمعرض وصول می درآمد و بتاريخ بیستم ماه جون سنه ۱۷۸۸ عیسوی موقوف گردیده بود و در باب تعیین اینمعنی کہ کسانیکہ از روی قانون متصنن گرفتن محصول سرکاری در صوبہ بنکالا و بہار و اودیسه یا از کار کسی صاحب کلکتہ پرمست یا عملہ اوشان یا از شیپچیک کار یا حکم صاحبان کونسل تجارت یا کورنر جنرل خودہا مظلوم بندارنک برای تلافی آن در کدام عدالت اولاً نالش نمایند واقعہ بتاريخ بیست و دوم ماه می سنه ۱۷۹۵ عیسوی مطابق یازدہم ماه جیتہ سنه ۱۲۰۲ بنکالہ موافق شہجدمہ ماہ جیتہ سنه ۱۲۰۲ فصلی مطابق یازدہم ماہ جیتہ سنه ۱۲۰۲ ولایتی موافق شہجدمہ ماہ جیتہ سنه ۱۸۵۲ نسبت مطابق دوم شهر ذیحعدہ سنه ۱۲۰۹ شہری *

دفعہ اول

قبل از بیستم ماہ جون سنه ۱۷۸۸ عیسوی در صوبہ بنکالا و بہار و اودیسه مقلدہ محصولاتیکہ بنام سرکار بر کار و بار تجارت گرفته می شد دو قسم بود یکی از آن بنام پرمست کلکتہ دیکری بنام محصولات سرکاری معروف چنانچہ پرمست مذکورہ نیز بنام محصولات شہر کلکتہ شیوع داشت و از روی استحقاق قدیمہ سرکار از طرف سرکار کمپنی انگریز بہادر بمعرض وصول می درآمد و از ہر قسم اجناس خواہ از راہ خشکی خواہ تری کہ در کلکتہ آمدنی شدہ بتصرف می درآمد یا باز از انجا بجای دیکر میرفت گرفته می شد و محصولات سرکاری بسبب حاکم الوقت بودن کمپنی انگریز بہانہ از جانب سرکار کمپنی در صوبجات مذکور سوائی بعض ممنوع بر شہہ اجناس کہ در صوبجات ممالک محروسہ کمپنی انگریز بہادر از راہ خشکی یا تری آمدنی می شد یا از صوبجات مذکور بجای دیکر میرفت و نیز از راہ بنادر غیر معمولہ کہ چنی کہ آمدنی و رفتنی اجناس میکردید گرفته می شد و این محصول سوائی محصولات شہر کلکتہ بہ تحصیل می درآمد و چون ہر جمیع تاجران و دیواریان حکم بود کہ پیش از روانگی اجناس پیدای یا مصدرہ شہجیک جادریکی از کپہری ہای پرمست محصول سرکار داخل ساختہ پاس اعنی روانہ حاصل سازد.

لهذا محصول مذکور بطریق سایررات از اجناس پندای و مصروفه متصرفه اینملک که بملک دیگر روانه نمی گشت گرفته می شد و بتاریخ سوم ماه نومبر سنه ۱۷۸۷ عیسوی کمپنی انگریز بهادر مناسب و مستحسن دانسته حکم نموده بودند که محصولات سرکاری در هر سه صوبه مذکور موقوف خواهد شد و سبب موقوفی آن در احکام مصدوره تاریخ مذکور مندرج فرموده اند من بعد گورنر جنرال بملاحظه احکام مذکوره بتاریخ بیستم ماه جون سنه ۱۷۸۸ عیسوی تصریح اینمعنی نمودند که احکام مذکور نسبت به پرمت اعنی محصولات شهر کلکته تعلق نمیدارد و بموجب احکام مذکور کچهری های پرمت شهر کلکته و شهر مرشدآباد و شهر حلیم آباد و شهر جهانگیر نگر و اسلام آباد برخاست نمودند اما کچهری پرمت مقام کوندانمانجهی برای گرفتن محصولات سرکار بابت اجناسیکه در ممالک محروسه کمپنی بیاید یا از انجا بممالک دیگر برود در جائیکه دریای کنک و کهاکره هر دو مخلوط اند مقرر ساخته بودند و بموجب بندوبست مذکور محصولات اجناسیکه در شهر کلکته آمدنی می شد و محصولات آمدنی و رفتنی همه اجناس معه اجناسیکه از راه بنادر غیر معموله کمپنی انگریز بهادر آمدنی و رفتنی گردد سوای محصولات اجناسیکه اینطرف مقام کوندانمانجهی بیارند یا انطرف مقام سزبور برند معاف گردیده لیکن چون بعد آن بدریافت در آمد که بندوبست مذکوره بیجا و نا مناسب بعمل آمده بسبب اینکه از آن در جایداد سرکار منقصت راه یافته و بر کار و بار شهر کلکته بمقابله جای دیگر بار گردیده درینصورت بهد نظر استقرار جایداد سرکار که بیشتر از محصولات اجناس دستیاب می شد و توفیرش بزیادتی کار و بار اینملک متصور و نیز بلحاظ یکسان بودن تاجران خواه انگریزان خواه غیر ذالک که بممالک محروسه کمپنی بیع و شری نمایند و در میان ممالک مذکور اجناس خود ها را در ارند یا بیرون به برند مناسب است که بر همه اجناس که انگریزان یا غیر ذالک یا مردمان این ملک یا غیر هم در صوبجات ممالک محروسه کمپنی بهادر بیارند یا از انجا به برند از همه ها یکسان محصول گرفته شود و بلحاظ تعمیل بندوبست مرقومه الصلر گورنر جنرال مقرر فرمودند که پرمت اعنی محصولات شهر کلکته موقوف خواهد شد و سابق محصولات سرکاری که بر اجناس آمدنی و رفتنی هر سه صوبه مذکور که از راه شهر کلکته میگردید گرفته می شد و بتاریخ بیستم ماه جون سنه ۱۷۸۸ عیسوی موقوف شده بود باز بحال و برقرار خواهد شد و بندوبست آینده بابت تحصیل محصولات سرکاری بابت آمدنی و رفتنی اجناس صوبجات مذکور از راه بنادر غیر معموله کمپنی یا هیچیک راه سوای از راه کلکته و راه کوندانمانجهی باختیار خود داشتند بموجب آن احکام مندرجه دفعات ذیل اجرا یابد *

دفعه دوم

ذکر موقوفی برصت شهر کلکته و احکام مندرجه قانون چهل و دوم سنه ۱۷۹۳ عیسوی نسبت بان *

محصولات بنام برصت اعنی محصولات شهر کلکته که بر جمیع اجناس امدنی کلکته و کاروبار آنجا میگیرند بموجب دفعه هدا موقوف خواهد شد و تمامی احکام در باب گرفتن محصولات مرقوم که در دفعات قانون چهل و دوم سنه ۱۷۹۳ عیسوی اندراج یافته است از ابتدای دفعه بیست و یکم لغایت آخر قانون مذکور از تاریخ غره ماه جون آینده موقوف خواهد شد *

دفعه سوم

ذکر آینده بحال شدن محصولات سرکاری در مقام کلکته *

دفعه هدا مشتمل است بر سه دفعه اول اینکه محصولات سرکاری که قبل ازین برهه اجناس امدنی و رفتنی شهر کلکته گرفته می شد و بتاریخ بیستم ماه جون سنه ۱۷۸۸ عیسوی موقوف گردیده بود بموجب دفعه هدا بتغییر و تبدیل بعض مراتب آن مقرر کرده میشود و حسب احکام مندرجه ذیل گرفته خواهد شد واضح و لایح باد که احکام مذکور از ابتدای غره ماه جون آینده بعمل خواهد آمد *

ذکر به تحصیل در آمدن محصولات معرفت نوکر که پنی * ذکر لقب او شان * ذکر تحلیف او شان * ذکر مقرر گردیدن کچهوی و تحصیل محصولات سرکاری مقام کلکته و واماندن از ابتدای نه کهری لغایت دو یاس دو کهری روز *

دوم اینکه محصولات مذکور معرفت صاحبی نوکر که پنی بمعرض تحصیل خواهد آمد و از آن بدلقب نوکر محصولات سرکاری مقام کلکته ملقب خواهد شد و پیش از این بدلقب نوکر خواهد شد و در وقت که از این نوکر مقام کودا مانپتی حلف مقرر است شمانقسم حلف خواهند نمود * سوم اینکه اینهمه بیست و یکم کلکته در میان شهر کلکته مقرر خواهد شد و سوای روز یکشنبه هر روز از ابتدای بر آمدن نه کهری لغایت دو یاس دو کهری انگریزی و خواهد ماند *

دفعه چهارم

ذکر احکام گرفتن محصول اجناسیکه از راه دریای شور میارند *

دفعه هدا مشتمل است بر هشت دفعه اول اینکه احکام مرقومه الذیل در باب گرفتن محصولات از روی دفعات ذیل بر اجناسیکه از راه دریای شور میارند تقرر یافته *

ذکر رفتن تیداوئی تر برهه جهازات و نوشتن کیفیت آن در بهی *

دوم اینکه یکیک کس تیداوئی تر اعنی چوکیدار چرو و مد بر هر جهازات که در بندر کلکته لنکو اندازد خواهد رفت و در بهی خو دنام جهاز و اینکه از آن کدام کس است و نام سردار آن جهاز و مرتبه آخیر از کدام بندر در رسید و جمله کیفیت متعلقه آن خواهد نوشت *

ذکر اطلاع نامه که بهی

سوم اینکه اطلاع نامه مندرجه ذیل در بهی تیداوئی تر به ثبت دستخط

تيداروي تر نوشته خواهد شد *
 صاحب ملکت تر نوشته خواهد شد فوراً اوليم تاريخ فلان جميع سرداران
 جهازات يا سوپر کيار کواعني گماشتگان که در بندر کلکتہ نجارت مينمايند بايد که
 بموجب پروانه هذا بوقت رسيدن جهاز در بندر کلکتہ قطعہ فرد تفصيل همکي
 اجناس معموله جهاز مذکور بقميل اينمراتب که ان اجناس از کدام بندر
 آورده و ازان کدام کس است و از طرف مالک آورده است يا بطريق اجيره اعني
 کزايه معہ نشان و لمبر هريک جنس از روي حلف بموجب نقشه ذيل به
 کچھري پرمت داخل سازند *

فرد تفصيل که بزير حکم نامه اندراج خواهد يافت

ذکر تفصيل که در ذيل
 حکمناہ نوشته خواهد شد *

شرح فرد تفصيل اجناس بر فلان جهاز و از فلان مقام و کپتان فلان و ملک فلان

نشان لمبر	رقم بسته	مقدار اجناس	قسم اجناس	بر کدام جا معمول کرده	براي کدام کس ترساده شده

چهارم اینکه بعد رسیدن هر کدام جهاز مالک یا سوپر کیارگو را باید که هر قدر زودتر تواند شد فرد تفصیل اجناسیکه بالای آن محمول باشد پیش صاحب کلکتر پرمت داخل سازد و صاحب موصوف یا نایب او شان را باید که حلفنامه بمضمون ذیل زیر آن فرد وصل سازند شرح حلفنامه اینکه فلان ناخدای فلان جهاز روبروی من بحلف ظاهر نمود که بدانست و اعتقاد خود میگویم که کیفیت جمیع اجناس تجارت که ازان من محموله جهاز مذکورین دریای شوگی رسیده است برآستی و درستی در فرد هذا مندرج است و قیمتیکه بمقابل یکیک رقم اجناس مندرج گشته بالتعقیق اصل قیمت آن یکیک رقم است *

تحریر فی التاریخ فلان *

رو بروی من فلان *

پنجم اینکه مالک یا سوپر کیارگو را باید که پیش یکی از صاحبان جج سوپریم کورت یا یکی از صاحبان پولیس شهر کاکته رفته بر فرد تفصیل خود حلف نموده معه اطلاعنامه بشرح ذیل پیش صاحب کلکتر پرمت داخل سازد شرح اطلاعنامه اینکه احکامیکه در باب یولیس از حضور گورنو جنرل بتاریخ بیست و پنجم ماه جون سنه ۱۷۸۸ عیسوی صدور یافته بود آنرا بعمل آورده ام و تا وقتیکه احکام مرقومه الصدر بعمل نیارند هیچیک اجناس از جهاز فرود آوردن نخواهند توانست و در صورتیکه بعد داخل شدن فرد تفصیل هیچیک اجناس فرود آرند یا قصد فرود آوردن آن نمایند و بدریافت در آید که اجناس مذکور در فرد مذکور مندرج نیست پس همگی اجناس اولایق ضبط خواهد شد *

ششم اینکه بعد عمل آوردن احکام مرقومه الصدر و گرفتن ضامن معتبر از مالکان یا سوپر کیارگو در باب ادای محمول که بعرصه ده روز داخل کردن آن واجب است مالکان یا سوپر کیارگو مذکور می توانند که اجناس خود ها را فرود آرند *

هفتم اینکه جمیع اجناس و بسته و غیره آمدنی ولایت را بکچهری پرمت فرود آوردن خواهد شد و بموجب حکم هذا از فرود آوردن هیچیک اجناس معاف نخواهد شد *

هشتم اینکه بوقت فرود آوردن اجناس باید که یکیک رقعہ بنام صاحب کلکتر پرمت بقید مقدار و قسم اجناس نوشته همراه هر یک کشتی بفرستند و صاحب موصوف را باید که بر هر یک رقعہ حکم بیمایش و تنقیح و وا کذاست اجناس مندرجہ آن بر نکارند و بدون پرمت پروانگی فرود آوردن چیزی از اجناس داده نخواهد شد و احتیاط تمام نمایند که وا کذاست اجناس زیاده از مقدار مندرجہ پرمت بعمل نیاید *

ذکر اینکه مالک یا سوپر کیارگو را باید که فرد تفصیل پیش کلکتر داخل سازد و حلفنامه زیر آن وصل کرده شود

ذکر تحلیف بر فرد تفصیل

ذکر اطلاعنامه که یکی از صاحبان پولیس گرفته داخل خواهند کرد *

ذکر اینکه بعد عمل آوردن احکام مقرر و دادن ضامن معتبر مالکان و غیره اجناس خود ها را فرود آوردن می توانند ذکر فرود آوردن همه اجناس بکچهری پرمت

ذکر احکام در باب فرود آوردن اجناس *

دفعه پنجم

دفعه هذا مشتمل است بر شانزده دفعه اول اينكه بعد فرود آوردن اجناس رفته هاي كشتي مندرجه دفعه صدر ضمن دفعه چهارم با فرد تفصيل مقابله كرده خواهد شد بعد آن صاحب ملكت پيرمت بل اعني چتهي بابت محصول به موجب احكام الذيل تيار خواهند نمود *

دوم اينكه محصول اجناس مندرجه افراد تفصيل از تجويز صاحب ملكت پيرمت بلا استصواب غيري منفع خواهد گرديد *

سوم اينكه محصول بحساب مبلغ دوروپيه هشت آنه في صد به موجب قيمت كلكته بر همه اجناس آمدني از راه درياي شور ماوراي آمدني ملك انگريز گرفته خواهد شد و سواي اجناس مندرجه ذيل محصول از شيچيك اجناس ديگر كسي گرفته نخواهد شد *

چهارم اينكه بمالكان يا سرداران همه جهازات سواي جهازات انگريز كه از ولايت ياچاي ديگر برسد بايد كه فرد تفصيل اجناس آورده خود را بحلف داخل سازند اجناسيكه بر اينقسم جهازات بيابد بر اصل قيمت آن في صد شصت روپيه اضافه نوشته بر همكي آن محصول گرفته خواهد شد *

پنجم اينكه هرگاه اجناس ولايت ياچاي ديگر از بنادر غير معموله كه پني از راه درياي شور به كلكته رسد محصولش قسميكه اولاً بد داخل شدن كلكته گرفته مي شان همانقسم گرفته خواهد شد *

ششم اينكه بر اجناس جهازات انگريزي كه در بنادر غير معموله كه پني برسد هما نقسم محصول گرفته خواهد شد كه در صورت رسيدن كلكته گرفته مي شان *

هفتم اينكه بر اجناس آورده كپتان و افسر جهازات كه پني بموجب چالان محصول گرفته خواهد شد و از چالان مذكور اضافه بمعرض وصول نخواهد آمد *

هشتم اينكه محصول بر اجناس پيداي يا مصنوعه طرف كرو مندل اعني مندرج از روي قيمت كلكته گرفته نخواهد شد اما بر چالان اجناس مذكور بر اصل قيمت اجناس في صد پانزده روپيه اضافه محسوب شده محصول اجناس مذكور بالا في آن همكي مبلغ گرفته خواهد شد *

نهم اينكه در صورتيكه احدي مس معه سارتي فكت اعني اجازت نامه بمضمون اينكه مس مذكوره باداي زر كمنركت اعني قرارداد از سركار انجا داده شده است در مقام كلكته بيارد محصول ازان گرفته نخواهد شد *

دهم اينكه چون بر اصل قيمت اجناس پيداي منكب امريكه و آورده جهاز انجا هميشه تحليف نمي تواند شد لهذا از روي حساب فروخت و اثبات آن بموجب كراهي كراهان محصولش گرفته خواهد شد *

ذكر اينكه بعد فرود آوردن اجناس رفته ها مقابله كرده بل تيار كرده شود * ذكر رفع شدن حساب محصول از تجويز صاحب ملكت و نفرستادن آن را بجاي ديگر *

ذكر گرفتن محصول بحساب دوروپيه هشت آنه بر همكي اجناس كه سواي ملك انگريز از راه درياي شور بيابد

ذكر محصوليكه بر اجناس آورده جهاز سواي جهاز انگريزي گرفته خواهد شد

ذكر محصول اجناس آمدني از راه درياي شور كه اولاً به بنادر غير معموله كه پني رسد و ثانياً به كلكته رسد * ذكر محصول اجناس جهازات انگريز كه در بنادر غير معموله كه پني برسد ذكر گرفتن محصول از روي چالان افسر جهازات كه پني *

ذكر محصول اجناس پيداي يا ساختني طرف كرو مندل *

ذكر معافي محصول مس مرقومه المتن *

ذكر اينكه در كدام حالت محصول از روي فروخت بر اجناس گرفته خواهد شد *

یازدهم اینکه بر اجناس آمدنی ملک چین بر قیمت مددرجه چالان مبلغ سه
روپیه اضافه نموده بر آن همگی مبلغ محصول گرفته خواهد شد *

دوازدهم اینکه بر اجناس آورده جہاز مکار و بموجب حساب فروخت که از روی
حلف داخل خواهد گردید محصول گرفته خواهد شد و در صورتیکه مالکان اجناس
مذکور بر حساب فروخت خود ها حلف کردن نخواهند پس بر اصل قیمت اجناس
مذکور فیصد چهل روپیه اضافه نموده بر آنهمگی مبلغ محصول گرفته خواهد شد *

سیزدهم اینکه آینده صاحب ملکتر پرمت را نمی باید که نصف محصول بسبب
سارتي فکت اعني دستا ویز صاحبان مندراج یا جای دیگر و افس دهند *

چهاردهم اینکه بر شراب که آنرا بزبان انگریزی عرق میگویند آمدنی مقام بتایه بحساب
پنجاه و پنج روپیه سکه فی لیتر که قسمی پیپه است محصول گرفته خواهد شد *

پانزدهم اینکه بر عرق آورده بنکولن محصول گرفته نخواهد شد *

شانزدهم اینکه از جمله محصول شراب ها بابت چکیدگی آن فیصد مبلغ ده
روپیه منها خواهد شد و پیپه هائیکه پر نباشد قبل بردن آن از کچهری پر کردن
و معالایش تحقیق نمودن خواهد شد و بعد بردن شراب ها از کچهری پرمت
عذر علم امتلاء آن مسومعه و منها نخواهد گردید *

ذکر گرفتن محصول اجناس
ملک چین *

ذکر محصولیکه بر اجناس
آورده مکار گرفته خواهد
شد *

ذکر و افس ندادن نصف
محصول بسبب سارتي فکت

ذکر نرخ محصول بر عرق
بتایه *

ذکر معافی محصول بر
عرق آورده بنکولن *

ذکر احکام در باب چکیدن
و پر نشدن پیپه و غیره

دفعه ششم

دفعه هذا مشتمل است بر سه دفعه اول اینکه در صورتیکه کسی محصول آمدنی
اجناس دادن نخواهد یا بدان آن توقف نماید یا ضامنیکه بدهد او شایسته
اعتماد نباشد بر اینصورت آنقدر اجناس او که قیمتش بمقابله قیمت اجناسیکه
محصول واجبی از آن بوصول در آید تواند شد بکچهری پرمت تا زمانیکه
محصولش ادا نخواهد گردید امانت داشته خواهد شد و در صورتیکه محصول
مذکوره بعرضه دو ماه ادا نکرد پس بعد انقضای میعاد مذکور اجناس مذکوره در
نیلام فروخته خواهد شد *

ذکر امانت داشتن
اجناسیکه بابت آن
محصول یا ضامن داده
نباشد و اینکه در کدا
حالت انرا فروخته خواهد
شد *

دوم اینکه در صورت فروخت شدن اجناس بموجب دفعه صدر و ادا گردیدن
محصول و خرجه پرمت آنچه باقی از آن بماند در صورت درخواست مالک آن
باو داده خواهد شد *

ذکر خرجه نمودن و چه
قیمت اجناسیکه بموجب
دفعه صدر فروخته شود
ذکر ار سال کیفیت
اجناسیکه لایق فروخت
باشد پیش صاحبان کونسل
تجارت *

سوم اینکه صاحب ملکتر پرمت را باید که پیش از فروخت اجناسیکه بعد انقضای
دو ماه محصولش بوصول در نیامده باشد کیفیت آن پیش صاحبان کونسل
تجارت برنگارند *

دفعه هفتم

صاحب کلکتر پرمٹ را باید که در این معنی محافظت کلی نمایند که احدی در دریای پائین قلعه کهنه بمحاذی قلعه مذکور از حد برج شمالی تا سرحد برج جنوبی آن سوای از وسط دریا هیچیک جهاز یا سلب را لنگر نکند و نیز ماورای کشتیها نیکه اجناس جهازات بالایش بساحل آورده شود کشتیهای دیگر را یا کشتی که موسوم باسم بهد است در حدود معینه مذکوره ماندن ندهند *

ذکر اینکه بچند فاصله از میانه دریا تا کنار در میان سرحد مرقومه المثن لنگرهای جهاز و کشتی انداختن نخواهد شد *

دفعه هشتم

صاحب کلکتر پرمٹ را باید که تا که از ماستر اتندنت نقل اسم نویسی مردمان ولایت نیابند اجناس هیچیک جهاز فرود آوردن ندهند زیرا که سرداران جهاز را بموجب حکم مصدوره تاریخ بیست و پنجم ماه جون سنه ۱۷۸۸ عیسوی حکم دادن آن هست و نیز بکپتان یا افسر جهاز مذکور اجازت فرود آوردن اجناس خاص آنها یا اسباب کسیکه سوار باشد نخواهند داد در صورتیکه نام آن کپتان یا انیسر یا سوار در اسم نویسی مندرج نباشد *

ذکر اینکه صاحب کلکتر پرمٹ اجناس و لوازمات از هیچیک جهاز فرود آوردن نخواهند داد تا که اسم نویسی مردمان ولایت بموجب حکم نیافته باشند *

دفعه نهم

هرگاه هیچیک حربه یا ساز و یراق جنگ از آن بعض کسان از بالای هیچیک نام جهاز که داخل کلکته شود فرود آید صاحب کلکتر پرمٹ را باید که اطلاع آن بقید قسم و تعداد و مقدار و نام جهاز و سرداران یا نام کسیکه حربه و غیره مذکور نرستاده باشد معرفت صاحبان کونسل تجارت بحضور کورنر جنرل نمایند *

ذکر خبر رسانیدن صاحب کلکتر در باب حربه و غیره ساز جنگ وقتی که از جهاز فرود آید *

دفعه دهم

صاحب کلکتر پرمٹ را باید که در صورت درخواست رسید همه اجناس که از جهاز فرود آید و به کچهری پرمٹ داشته شود بدهند و صاحب موصوف را جوابدهی انهمه اجناس که رسید آن داده باشند لازم خواهد آمد و در صورتیکه کپتان یا افسر یا کسی سوار رسید اجناسیکه به کچهری داشته شود نگیرد در این صورت اگر چیزی از اجناس مذکوره مفقود شود آنها تاوان آن نخواهند یافت بوقت واگداشته گرفتن اجناس رسید مذکوره و افسر دادن خواهد شد *

ذکر اینکه صاحب کلکتر پرمٹ را باید که بابت اجناس داشته کچهری رسید بدهند *

دفعه یازدهم

محصولاتیکه بالای اجناس آمدنی از راه دریای شور گرفته شود تفصیل آن در بهی بموجب نقشه ذیل نوشته شود *

ذکر جوابده بودن کلکتر صرف بابت اجناسیکه رسید آن داده باشند *

فازون سي ونهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

فورت اوليم		بهي		محصولات اچناسکي		از راه دريائي شور آملاني گورد		سنه ۱۷۹۵ عيسوي		
سنه ۱۷۹۵	لهبر ورقم	جهازات	جهازات	انکلام چا	نشان	م تا پوران	قسم	مقدار	زر اوروش	جمله
	سنه ها وغيره		جهازات	آمل	جهازات		اچناس	اچناس	چهار	محصولات

دفعه دوازدهم

در صورتیکه نشان ولجور بر یکی از بار یا پیله یا بسته یا صندوق یا بقچه مشیت ذکر عدم داخل شدن

بهیچیک کچهری پرمت بسته و غیره که بران نشان و لیمو نباشد *
 مندرج نباشد پس آن بار و غیره داخل هیچیک کچهری پرمت نخواهد شد نیز درباره آن رسید داده نخواهد گردید *

دفعه سیزدهم

ذکر لازم آمدن کرایه کدام بابت اجناسیکه بدون اجازت زیاد از هفته در اینجا بماند *
 بدون حکم علیحده هیچ اجناس زیاد از هفت روز در هیچیک کچهری پرمت نخواهد ماند در صورت ماندن زیاد از ميعاد مذکوره کرایه بر آنها لازم خواهد آمد *

دفعه چهاردهم

ذکر یادداشتی که بموجب مندرجه متن تیداوی تر خواهد داشت *
 تیداوی تر اعنی چوکیدار جر و مد را باید که فرد یاد داشت تمامی اجناس که داخل کدام شود یا از اینجا واپس داده آید بدارد *

دفعه پانزدهم

ذکر احکام درباره گرفتن محصول *
 احکام مرقومه الدیل نسبت بر محصول اجناس رفتنی تعلق دارد *

دفعه شانزدهم

ذکر اینکه سوای بعض اجناس همه جنس از کچهری پرمت بر جهاز بار خواهد گردید و همراه آن صاحب ملکتر قلعہ پرمت اعنی اجازت نامه خواهد داد و اجناسیکه از مفصلات برای روانه شدن بر جهاز برسد پیش از بار شدن آن بر جهاز بواسطه تلاش بکھات کچهری پرمت آورده خواهد شد *
 دوم اینکه حسب اجازت صاحب ملکتر پرمت جمیع غله جات از هر کدام کھات بعد نوشته شدن یاد داشت آن بر جهاز بار می تواند شد *

ذکر اینکه در صورتیکه فرستنده اجناس بعض مردمان بولایت بادای زر کنترکت اعنی قرارداد سرکار فرد تفصیل اجناس مذکور بکچهری پرمت داخل سازد و محصولش رفع نماید و صاحبان کونسل تجارت یا صاحب ٹیکس پورٹ او پیر هوس اعنی صاحب مختار کدام رفتنی اجناس اجازت دهند درینصورت اجناس مذکور از کدام رفتنی یا دیگر کھات بر جهاز بر می تواند شد *

ذکر شرایطیکه بموجب ان اجناس از هر کدام کھات بر جهاز بار می تواند شد
 چهارم اینکه برای حاصل ساختن پرمت در خواست بقیه مراتبات هذا اعنی نام جهاز که بران اجناس بار کرده خواهد شد و نام سردار آن و نام جائیکه جهاز مذکور خواهد رفت همه فرد تفصیل بقید لیمو و نشان بسته ها و غیره و قسم و مقدار

مقدار اجناس بسته و همزه و نام سازنده آن جهاز و قیمت آنک اعنی اصل قیمت آن بتعویر در آورده پیش صاحب مکتبر پرمیت گذرانیده خواهد شد *

پنجم اینکه اگر صاحب مکتبر پرمیت تصور سازند که پارچه های هیچیک بسته بهمانبله فرد تفصیل نیست پس فرستنده را طلب خواهند کرد و اگر فرستنده حاضر شود رو بروی او معرفت تلاش کنند سرکاری و تشخیص کنند اجناس قیمت آن تنقیح خواهند کنایید و اگر آنها تصور سازند که قیمت پارچه ها مندرجه فرد تفصیل کم از قیمت آنک است درینصورت آنها به مقتضای رای خود تشخیص قیمتش خواهند کرد و بر فرد تشخیص مذکوره دستخط کرده پیش صاحب موصوف داخل خواهند نمود و مطابق آن صاحب مکتبر محصول خواهند گرفت و در صورتیکه فرستنده بدادن محصول از روی تشخیص مذکور انکار کند درینصورت پارچه ها بسرکار گرفته قیمتش بموجب تشخیص باو حواله خواهد گردید اما صاحب موصوف را اید که ما قبل گرفتن اجناس بسرکار کیفیت آن بصاحبان نونسل تجارت بر نکارد و ترصد صدور حکم صاحبان موصوفین باشند *

ششم اینکه در صورتیکه از هیچیک بسته زیاده از مندرجه فرد تفصیل پارچه ها برآید درینصورت آنچه آن روز فرستاده شده بود انهمه لایق ضبط خواهد شد و آنچه اجناس باعتبار فرد تفصیل آنکس سابق از آن بر جهاز مذکور بدون تلاش بار شده باشد بر آنهمه اجناس دوچند محصول لازم خواهد آمد *

هفتم اینکه بوقت روانگی هر اجناس ساورای پارچه صاحب مکتبر پرمیت را اختیار اینمعنی خواهد بود که یک یا زیاده صندوق یا بسته آنرا تلاش کنند یا وزن نمایند و در صورت تفاوت بودن اجناس از چالان قسمیکه جریمانه بدفعه مرقومه الصدر مندرج است همانقسم جریمانه بران لازم خواهد آمد *

هشتم اینکه جمیع کشتیهای معموله اجناس تجارت را که از مفاصلات برسد متصل یا محاذی کچهری پرمیت آوردن خواهد شد و در صورتیکه هیچیک کشتی بدون اجازت صاحب مکتبر پرمیت از محاذی نکته یکسر بگذرانند درینحالت اجناس آن لایق ضبط خواهد شد *

نهم اینکه بموجب دفعه اول ضمن دفعه هدا در باب داخل کردن اجناسیکه محصول بران لازم آید کچهری پرمیت قسمیکه حکم است همانقسم داخل کردن اجناسیکه محصولش مناف است خواهد شد *

دفعه هفدهم

دفعه هدا مشتمل است بر ده دفعه اول اینکه سوای اجناس مرقومه الذیل که

[Reg. 30 of 1795—11.]

ذکر مضمون درخراشت
ذکر داخل کردن فرد
تفصیل همراه درخواست
ذکر اینکه اگر صاحب
مکتبر تصور سازند که پارچه
ها مطابق فرد تفصیل
نیست و هم اینمعنی
بائبات رسد پس پارچه
های مذکور به تشخیص
در آورده بر آن محصول
خواهند گرفت و اگر
فرستنده اقبال ادای
محصول نکند درینصورت
پارچه مذکور داخل سرکار
خواهد شد *

ذکر بر نکاشتن کیفیت
پیش صاحبان کونسل
تجارت *

ذکر اینکه در صورتیکه
میان هیچیک بسته سوای
فرد تفصیل پارچه بر آید
درینمعنی کدام تدبیر
بعمل خواهد آمد *

ذکر طریق تلاش اجناس
غیر از پارچه *

ذکر اینکه جمیع کشتیهای
معموله اجناس را که از
مفاصلات برسد به کچهری
پرمیت آوردن خواهد
شد والا اجناس او ضبط
خواهد گردید *

ذکر داخل کردن اجناسیکه
محصولش معاف است
در کچهری پرمیت *

ذکر نوع محصول که بر

اجناس روانگی کلکته گرفته خواهد شد *
 محصولش معاف است دیلر بر همه اجناس رفتنی از کلکته از روی قیمت ارنگه بحساب مبلغ دو روپیه هشت آنه بلا تفاوت گرفته خواهد شد *

تفصیل اجناس معافی از محصول

اجناسیکه بر آن محصول معاف است *

شاهجات	افیون خرید کرده نیلام کادی ها
نیل و آبیشم خام که بلای جهاز کمپنی در بندر لندن روانه شود یا لکی میانه و بولچا	ظروفات برنجی و مسی
شراب تیار کرده بصورت شراب ولایت بابت تیاری صوبه بنکالا و بهاریا آن سمت صوبه اودیسه که معموله کمپنی است	

دوم اینکه اجناسیکه بعد نظر روانگی مرتبه ثانی برسد و مالک آن اظهار نماید که اجناس هذا باز روانه طرف دیگر خواهد شد درینصورت بوقت رفتن آن آنچه محصول بوقت آمدنی گرفته شده بود تمام و کمال آن واپس داده خواهد شد * سوم اینکه آنچه محصول بر نیل که از مقام منیلا در بنکالا آمدنی خواهد شد گرفته شود باز بوقت روانگی نیل مذکور بلای جهاز در ولایت محصول مذکور واپس داده خواهد شد *

ذکر واپس دادن محصول بر اجناس وقت آمدنی که گرفته شده بود *

ذکر واپس دادن محصول بابت نیل آمدنی منیلا

چهارم اینکه کسیکه قصد روانگی افیون خرید کرده نیلام کمپنی بملک دیگر نماید اورا باید که سارنی فکت اعنی اجازت نامه از صاحبان کونسل تجارت یا صاحبان توابع او شان بقبل مراتب هذا بکل راند که افیون مذکور در نیلام کمپنی خرید شده است و خریدگی لات اعنی یکدفعه و نشان و لمبر و سند و قهای که درخواست آن نماید و نام خریدار و قیمت افیون و تاریخ نیلام آن و اگر احدی قصد روانگی افیونیکه خرید کرده نیلام کمپنی نباشد بطریق افیون خرید کرده نیلام کمپنی نماید یا قیمت آن مقابله قیمت اجازت نامه نباشد پس افیون مذکور لایق صبط خواهد شد * پنجم اینکه کسیکه بموجب اختیار صاحبان مختار کاران، ولایت چیزی بطریق هدیه و تواضع بولایت فرستادن بخواهد محصول بر آن خواهد داد بقیچه یا بسته هدیه و تواضع که قیمت آن زیاده از یکصد پوند سترلنک اعنی یک هزار و سه روپیه نباشد آینده در دفتر صاحب سکرتوری کونسل تجارت نویسانیدن خواهند شد و هرگاه کسی پیش صاحب موصوف برای نویسانیدن بقیچه یا بسته درخواست نماید باید که قطعه اجازت نامه از صاحب کلکتر برمت بدین مضمون حاصل ساخته بکل راند که محصول بر چیزهای مذکور رفع شده است و صاحب سکرتوری کونسل

ذکر تدبیر درباره افیون خرید کرده نیلام کمپنی

ذکر بعمل آوردن تدبیر درباره افیونیکه در نیلام کمپنی خرید نشده باشد

ذکر گرفتن محصول بر چیزهای هدیه که بولایت فرستاده شود * ذکر نویسانیدن بسته که قیمت آن زیاده از یک هزار و سه روپیه نباشد * ذکر اینکه همواره درخواست برای نویسانیدن بسته

قانون هی و نهم سنه ۱۷۹۵ عیسوی.

گونسل تجارت را نمی باید که بدون یافتن، اجازت نامه بقیه یا بسته بدویسند یا اجازت داخل نمودن آن بالای جهاز کمپنی بدهند *
 ششم اینکه جهازات انگریزی که از بنادر غیر معموله کمپنی روانه شود قسمیکه در صورت رهس از کلکتہ محصول گرفته شود بالای آن همانقسم محصول گرفته خواهد شد *
 هفتم اینکه بر اجناس پیدای ممالک محروسه کمپنی که از بنگالا در بنادر فوریت سنجاج اعنی مندر اچ یا بنمی برسند در بنا در مذکور محصول آمدنی گرفته نمیشود مثل بشرطیکه اجازت نامه بشرح مندرجه ذیل که بموجب در خواست فرستنده اجناس صاحب کلتر پرمیت خواهند داد بگذرانند *
 کچهری پرمیت کلکتہ تاریخ فلان از روی اجازت نامه هذا معلوم نمایند که اجناس مرقومه الذیل باظهار اینکه پیدای بنگالا و ممالک متعلقه آن از بندر کلکتہ بجهت روانگی بندر فلان بر فلان جهاز بار شده *

اجازت نامه بدین
 مضمون خواهد گذرانید
 که محصول آن رفع شده
 است *
 ذکر عدم فرشتن بسته
 بدون اجازت نامه
 ذکر لازم آمدن محصول
 بالای اجناس جهازات
 انگریزی که از بنادر غیر
 معموله کمپنی برود *

قسم اجناس	مقدار بسته	رقم بسته	نشان و لچبر	مقدار اجناس

قانون ملی زمین سنه ۱۷۹۵ عیسوی

فصل پنجم در خصوص زمینهای که بل اعنی چندی بابت محصول تیار نمودن خواهد شد و تا که زر
 بابت بل مذکور بمرصه ده روز داخل نه شود یا ضامن آن نداده باشد اجازت بار
 آن ماکمل ده روز باری نمودن * اجناس *
 کردن اجناس نخواهد گردید *

فصل ششم در خصوص زمینهای که بل اعنی چندی بابت محصول تیار نمودن خواهد شد و تا که زر
 بابت بل مذکور بمرصه ده روز داخل نه شود یا ضامن آن نداده باشد اجازت بار
 آن ماکمل ده روز باری نمودن * اجناس *
 کردن اجناس نخواهد گردید *

فصل هفتم در خصوص زمینهای که بل اعنی چندی بابت محصول تیار نمودن خواهد شد و تا که زر
 بابت بل مذکور بمرصه ده روز داخل نه شود یا ضامن آن نداده باشد اجازت بار
 آن ماکمل ده روز باری نمودن * اجناس *
 کردن اجناس نخواهد گردید *

سنه ۱۷۹۵ عیسوی	مقدار و قسم بسته ها و غیره	جای ساختگی	نام تاجر	قسم اجناس	مقدار اجناس	جمله قیمت بموجب جالان	جمله محصولات

قانون هي و نهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

ذکر نوشتن اجناسيکه
بوقت روانگي محصولش
معاف شود درميان بهي

دهم اينکه انهمه اجناس که بوقت روانگي محصولش معاف شود بموجب نقشه
ذيل در بهي نوشته خواهد شد *

فورت اوليم بهي اجناسيکه بوقت روانگي ان محصولش گرفته نه شود بماء
جون سنه ۱۷۹۵ عيسوي *

سنه ۱۷۹۵ عيسوي	لمبرهاورقم جسته هاوغیره	جاي ساختگر	نام تاجران	قسم اجناس	مقدار اجناس	جمله قيمت اجناس بموجب چالان

دفعه هيجدهم

ذکر عدم بار نمودن
اجناس بدون ادای
محصولات و نیز اجناسيکه
محصولش معاف است
تا که احکام مندرجه
دهم ضمن دفعه هفدهم
بعمل آورده نه شود بار
نميتواند شد *

دفعه هذا مشتمل است بر چهار دفعه اول اينکه بعض مردمان که اجناس
خود را بقرار داد که پني روانه نمودن نخواهند تا که محصول آن رفع و ادا نخواهد
شد آنها اجناس مذکور را بار کردن نخواهند توانست و در صورتيکه اينقسم اجناس
باشد که محصولش معاف است انرا هم بار کردن نخواهند توانست تا که بموجب
دفعه دهم ضمن دفعه هفدهم ننويسانند و صاحب کلکترومت بزير فردتفصيل
اجازت نامه آن نه نويستند و فرد تفصيل مذکور را در نیکس پورت و پرهوس
داخل بسازند *

ذکر اینکه ماسترانتندنت صاحب را امتناع است تا که از صاحب مکتور صاحب را امتناع است که تا که از صاحب مکتور بومت اجازت نامه مرقومه اینین نیابند ارکاتی بل هندی *

دوم اینکه ماسترانتندنت صاحب را امتناع است در اینکه تا که از صاحب مکتور بومت اجازت نامه بدین مضمون نیابند که محصول بر اجناس مسموله چه از هذا خواه بابت آمدنی خواه رفتنی اندا شده بارفح گردیده است بعلت اعنی ارکاتی بر هیچیک جهاز بدهند و در صورتیکه اجناس رفتنی جهاز مذکور معانی از محصول باشد درین صورت هم مادامیکه اجازت نامه بدین مضمون نیابند که اجناس مذکور بموجب دفعه دهم ضمن دفعه هفتم به کتوری بومت نوشته شده است ارکاتی نخواهد داد و نیز تا و قیکه اجازت نامه بمضمون هذا نیابند که احکامی که در باب پولیس بنارنج بیست و پنجم ماه جون سنه ۱۷۰۸ عیسوی صادر شده بود آنرا بعمل آورده اند ارکاتی نخواهند داد *

ذکر اینکه ارکاتی را نمی باید که بدون یافتن اجازت نامه اینمضمون که محصول بر اجناس هذا ۱-۱ یا رفع شده بارکردن اجناس بدهد *

ذکر اینکه اگر اجناس بر هیچیک جهاز بدون اجازت نامه بارشود ارکاتی را باید که انرا پس نداده کیفیت آن برنگارد *

سوم اینکه ماسترانتندنت بارکانیان هر یک جهاز که بومت اعنی چهار جعتی یافته باشند حکم خواهند داد که آن همراه هیچ یک اجناس اجازت نامه این مضمون از صاحب مکتور بومت نرسد که محصولش بوصول درآمده پس آن اجناس را بارکردن نخواهند داد *

چهارم اینکه در صورتیکه کپتان اعنی سردار هیچیک جهاز مزاحمت ارکاتی بعمل نیازد و بدون اجازت نامه حسب الضمن مرقومه الصدر اجناس را بر جهاز دار کند درینصورت ارکاتی را باید که فی انور که نیت آن به ماسترانتندنت صاحب برنگارد و تا که حکم او نیابد جهاز را روانه نمودن ندهد و هدیگی اجناس او لایق ضبط خواهد شد *

دفعه نوزدهم

ذکر ارقام نمودن کیفیت اجناس قرقی پیش صاحبان کونسل تجارت

ذکر تقسیم زنیلام اجناس ضیطی *

دفعه هذا مشتمل است بر دو دفعه اول اینکه هرگاه اجناس بعلت بودن قابل ضبط بقرقی در آید صاحب مکتور بومت را باید که بسرعت تمام کیفیت آن پیش صاحبان کونسل تجارت برنگارد و صاحبان موصوف آنچه مناسب دانند در باب آن حکم خواهند داد *

دوم اینکه هرگاه اجناس بموجب قانون هذا ضبط و نیلام شود بعد منهای خرجه حسب مندرجه ذیل بدین نمط تقسیم خواهد یافت که همگی پنج حصه خواهد شد و منجمله حصه مذکور یکحصه را سه حصه کرده دو حصه آن مکتور و یک حصه نایب او شان خواهند گرفت و از بقیه چهار حصه دو حصه کوپنده یا قرق کننده خواهد یافت و دو حصه داخل سرکار خواهد شد *

دفعه بیستم

ذکر رسومیکه گرفتن آن

صاحب مکتور بومت برای منفعت خاص خود رسوم مرقومه الذیل خواهند گرفت بر هر

بر هر قلعہ چهار چتهی بابت رفتنی
 بر هر قطعه بل اعنی چتهی بابت محصول
 به صاحب سکتی رسیدن

همه سکه

همه سکه

و صاحب تکثیر موصوف را اختیار است که رسوم مذکور را بطریق ادای زر محصولات
 سرکاری بمعرض وصول در آرد و باید که ماه بماه کیفیت وصول جمع رسومات
 مذکور بمش صاحبان کونسل تجارت چنان مینویسان باشند که ازان در بافته شود
 که اینقدر بابت چهار چتهی و اینقدر بابت بل یافتنی است *

ذکر اندا کرداندن زر رسوم
 و طریق ادای زر محصولات
 سرکاری *
 ذکر نگاشتن کیفیت زر رسوم
 بمش صاحبان کونسل
 تجارت *

دفعه بیست و یکم

ر صاحب تکثیر برصت اخبار است که دست بقیچه و لوازمات بعض مردمان
 واگذارند *

ذکر تقویض اندا صاحب
 تکثیر دیابو اکل است
 دست بقیچه و لوازمات *

دفعه بیست و دوم

دفعه هذا مشتمل است بر دو دفعه اول اینکه درین صاحب تکثیر برصت در کنگنه
 دی باشند و در میان حدود کنگنه اجرای امورات سرکار منماینند لهذا بمذ نظر
 رفع استماع اینهمعنی که کسانی که از روی هیچیک قانون که مطابق قانون حصل و یکم
 سنه ۱۷۹۳ عیسوی حصاره و جاری شد؛ خود هارا از امور عهد صاحب تکثیر
 موصوف یا نایب یا استنینه او شان یا کسی مردم اهل ولایت با عمله نواح
 او شان متعلقه امور تحصیل برصت یا از هیچیک امر منماینند صاحب موصوف یا عمله
 او شان بموجب حکم تلخیص صاحبان کونسل تجارت یا گورنر جنرال مظلوم بند آرد
 در کدام عدالت دیوانی بموجب دفعات دهم و یازدهم قانون سوم سنه ۱۷۹۳
 عیسوی نالش خواهند نمود تصریح نموده می آید و اذیح باد که در ابتدا مقدمه
 نالش مردمان مرقومین در ضلع بیست و چهار برکنه قسمیکه در صورت بودن
 صاحب تکثیر در حدود مذکور و اجرا نمودن امورات در انجا تجویز مقدمه شان
 می شد همان قسم تجویز خواهد شد *

ذکر اینکه نالش
 یا درین محصول سرکاری و
 مقام کنگنه در ضلع بیست
 چنان برکنه تجویز خواهد
 شد *

دوم اینکه تجویز نالش مقدمات مرقومه دفعه صدر بابت امور منماینه دیگر
 هیچیک صاحب تکثیر محصولات سرکاری یا عمله او شان بعدالت دیوانیکه درون
 سرحد آن کچهی صاحب موصوف و اذیح نالش خواهد کردید *

ذکر اینکه در کدام عدالت
 تجویز نالش مقدمات
 محصول سرکاری سرای
 کچهی برصت مقام کنگنه
 خواهد شد *

دفعه بیست و سوم

در صورتیکه کسی بنام احدی از صاحبان تکثیر برصت خواه پیام او شان در سرحد

ذکر جوابده بودن صاحب

- کلکته باشد خواه بیرون ان بابت هیچیک کار که از اوشان بدون حکم صاحبان کونسل
- تجارت یا کورنر جنرل سرزده باشد نالش نماید درین صورت صاحب موصوف
- بچوکهم خود جوابده آن خواهند بود و کسی از وکلای مقررہ عدالت را برای سوال
- و جواب آن مقرر خواهند نمود *

دفعه بیست و چهارم

در صورت نالش رسیدن بنام عمله صاحب کلکتر صاحب موصوف خود جوابده ان شدن می توانند و در صورت جوابده شدن ان قسمیکه بنالش رسیدن در ابتدا بنام اوشان نشان می نمودند همان قسم نشان دکری عدالت خود خواهند نمود *

ذکر اینکه صاحب کلکتر را اختیار است که اگر بنام عمله اوشان نالش رسد خود جوابده ان شوند

دفعه بیست و پنجم

- هرگاه هیچیک حکم عدالت بنام صاحب کلکتر برست صادر شود صاحب حج یا رجستر
- عدالت را باید که حکمنامه مذکور را بطور خط ملقوف ساخته بالای لباده ان نام
- خود و عهده خود نگاه داشته بصاحب کلکتر موصوف مرسل دارند و صاحب کلکتر
- موصوف را باید که بر ظهر آن خطی بطور رسید حکم نامه مذکور نوشته ایش صاحب
- حج یا رجستر موصوف ارسال نمایند *

ذکر طریق رسا نیدن احکامیکه از هیچ عدالت بنام صاحب کلکتر برست صادر شود *

دفعه بیست و ششم

هرگاه صاحبان کونسل تجارت هیچیک دکری اسمی صاحب کلکتر برست با عمله اوشان بابت مقدمه که صاحب کلکتر یا عمله اوشان از روی عهده خود بدون حکم صاحبان کونسل تجارت یا کورنر جنرل سوال و جواب ان کرده باشند منظور نمایند صاحبان کونسل تجارت را اختیار است که از صاحب کلکتر موصوف یا عمله اوشان که از و این امر سرزده و بنام اونالش شده باشد خرجه و خسارت و دکری بالکل با قدری ازان آنچه مناسب دانند نشان آن خواهند دهانید بشرطیکه از ملاحظه کیفیت مقدمه و اطوار آنکس که بر او دکری شده و آن امر از و بوقوع آمده مناسب دانند که تمامی خرجه و خسارت و دکری یا قدری ازان از سرکار که پنی دهانید واجب نمود و آنکس را اختیار است که هر قدر خرجه و خسارت و غیره از و دهانید شود بچوکهم و خرجه خود بجهت آن اپیل نماید *

ذکر اینکه خرجه و تاوان و خسارت و دکری هر چه بر صاحب کلکتر برست یا عمله اوشان شود نشان آن از کدام کس دهانیده شود *

دفعه بیست و هفتم

در صورتیکه صاحبان کونسل تجارت بر هیچیک دکری اسمی صاحب کلکتر برست یا عمله اوشان بابت مقدمه که سوال و جواب آن حسب الحکم صاحبان موصوفین

ذکر تفویض اختیار بصاحبان کونسل تجارت

موصوفین یا گورنر جنرل یا بدون حکم او شان صاحب کلکتر یا عمله او شان کرده باشند نراض شوند درینصورت صاحبان موصوفین برای اپیل آن بموجب قوانین حکم می توانند داد و باوجود برخلاف بودن حکم هلا از رویه هیچیک قانون که درین تاریخ جاری گردیده باشد در صورت اپیل شدن آنمقدمه اپیلش معرفت وکیل سرکار یا کسی دیگر وکیل عدالت خواه بکورت اپیل مفصل خواه بصدر اپیل در صورتیکه اپیل در الحاق واقعه باشد رجوع خواهند گردانید *

در اینکه اگر هیچیک دکری بنام صاحب کلکتر پرمیت یا عمله او شان شود برای اپیل آن حکم می توانند داد *

دفعه بیست و هشتم

از هیچیک صاحب کلکتر پرمیت بابت مقدمه تیکه از روی عهده خود خواهند نمود حاضر ضامن طلب کرده نخواهد شد و نیز برای ا-ای خرجه و تاوان عدالت و بعمل آوردن دکری ماضی ضامن طلب کرده نخواهد شد چرا که گورنر جنرل خرد جوابده ایدمعنی خواهند بود که دکری هر مقدمه که بنام صاحب کلکتر پرمیت خواهد شد آنرا صاحب کلکتر موصوف بعمل خواهند آورد *

ذکر طلب نه نمودن ضامن از صاحب کلکتر پرمیت برای عمل آوردن دکری و غیره *

دفعه بیست و نهم

بابت مقدمات صاحب سابق که از روی عهده خود نموده باشند احدی بنام صاحب کلکتر پرمیت حال نالش کردن نخواهد توانست لیکن در صورتیکه کسی صاحب کلکتر از عهده خود معزول شوند درینصورت او شان قسمیکه جوابده هدیمی مقدمات در زمان بحالی خود می شدند در زمان معزولی هم همانقسم جوابده خواهند بود بر تقدیر یکه صاحبان کونسل تجارت از روی کیفیت مقدمه مذکور مناسب ندانند که صاحب کلکتر حال سوال و جواب مقدمه مذکور نمایند اما حکم هلا بر اینقسم مقدمات که صاحب معزول بموجب حکم صاحبان کونسل تجارت با گورنر جنرل سوال و جواب کرده باشند تعلق نخواهد داشت صاحب کلکتر حال در باب جمیع اینقسم مقدمات سوال و جواب خواهند نمود و خرجه و جوکهم آن تعلق از سرکار خواهد داشت *

ذکر اینکه بابت مقدمات صاحب کلکتر سابق بنام بر کلکتر حال نمی تواند شد *
ذکر مقدمه مانیکه صاحب سابق جوابده آن خواهند شد *

دفعه سیام

وقتیکه بصاحبان کلکتر پرمیت سوال و جواب یکی از مقدمات خواه در ایام بحالی عهده خواه بعد گذشتن آن عهده علاقه کیرد بلحاظ اینکه تارجوع بودن آنمقدمه ارسال مکاتبات فیما بین صاحبان موصوفین و وکلای عدالت های ضلع یا شهر یا کورت اپیل مفصل یا صدر دیوانی عدالت که در سوال و جواب مقدمه مذکور از جانب صاحبان موصوفین مامور باشند باسانی مسلوک می تواند بود صاحبان

ذکر اختیار صاحبان کلکتر و وکلای عدالت که از طرف آنها بسوال و جواب مامور باشند در باب ترسیل مکاتبات ایهای خود ها بدون دادن محصول داک

ذکر اینکه صاحبان کلکتر پرمت بر لفافه اسمي وکیل عدالت لفافه ديگر بنام صاحب رجستر عدالت نموده بر آن مهر کرده ارسال نمایند *
ذکر اختيار داشتن وکلادر اینکه کاغذات پیش موکل خودها بلا ادای محصول داک ارسال نمایند *

موصوفین را اختیار است که هرگاه هر ایجابی که نکاشتن آن بولگای مذکورین مناسب دانند آنرا نکاشته بدون دادن محصول بلاي داک بفرستند و بر لفافه اش نام وکیل نکاشته مهر خود ساخته باز بران لفافه ديگر بنام صاحب رجستر عدالت مقدمه در عدالت در پیش باشد ساخته نام خود و نام عهده خود و نام عهده که در وقت بنای مقدمه میباشند بران نکاشته و مهر خود نموده بصاحب رجستر موصوف ارسال دارند و صاحب رجستر موصوف را باید که بمجرد وصول دکاتبه مذکور لفافه اسمي وکیل را بچنسه فی الامور بوکیل مذکور رسانند و بولگای هریک عدالت که از روی مراتبات مندرجه قانون هذا در سوال و جواب همیشه مقدمه از طرف صاحبان کلکتر مامور باشند اختیار است که هرگاه هر چه کواغذ بصاحبان موکل خودها فرستادن ضرور دانند آنرا چه در ایام بحالی عهده انصاحبان و چه بعد گذشتن آن عهده بدون دادن محصول بلاي داک پیش صاحبان موصوفین رسال می نموده باشند و وکیل را باید که کواغذ مذکور را ملفوف ساخته بران نام انصاحب نکاشته مهر خود نماید و صاحب رجستر را باید که بر لفافه مهري وکیل مذکور لفافه ديگر بنام مکتوب الیه کرده بران نام عهده خود نکاشته ارسال نمایند *

دفعه سي و یکم

ذکر اینکه صاحبان کونسل تجارت در کدام کدام حالت اهتمام سوال و جواب مقدمات بلده خودها گرفتن می توانند *

در هر مقدمه ضلع یا شهر یا کورت اپیل مفصل یا صدر دیوانی عدالت که صاحب کلکتر پرمت یا عمله او شان در آن مدعی باشند یا مدعی علیه اگر صاحبان کونسل تجارت مناسب دانند بجای صاحب کلکتر موصوف اهتمام سوال و جواب انمقدمه بلده خودها از خود ملتزم سازند یا هرگاه حکم گورنر جنرال صدور یابد اهتمام سوال و جواب آن بلده خود بگیرند *

دفعه سي و دوم

ذکر علم انتفاع کلکتر پرمت از مقدماتیکه از روی قانون هذا در عدالتها رجوع گردد *

هر استغاثه که صاحبان کلکتر پرمت بموجب عهده متعلقه خودها در عدالتها نمایند یا بنام صاحبان موصوفین استغاثه برسد در اینچنین مقدمات هیچ نوع منفعت بصاحبان موصوفین حاصل نخواهد شد و در صورتیکه بعدالت ثابت شود که صاحبان کلکتر پرمت در باب وصول زرطلبی سرکار امري بر عکس قانون هذا بعمل نیآورده اند یا کار آنها پیش صاحبان کونسل تجارت یا گورنر جنرال منظور شود درینصورت چیزی خسارت هم عاید حال صاحبان موصوفین نخواهد گردید پس بلحاظ مراتبات مندرجه صدر صاحبان موصوفین را باید که هر قدر زر خرجه و تاوان همیشه عدالت از روی دگری بیابند آنرا در حساب مائورای خودها بصیغه جمع سرکار بدویسانند و هر قدر زر در مقدماتیکه بعهد خودها

ذکر علم خسارت صاحب کلکتر در صورت منظوري امور او شان *

خود ها سوال و جواب آن نمايند و نیز در مقيدها تيكه لازم آمدن نشان خرجه و توان آن در اول بر صاحب مكتر پرمست احتمال باشد و اخر كار از سر كار ادای آن واجب شود خرچ نمايند اينهمه اخراجات را در حساب ما هوارى زير ديگر اخراجات يا در فرد علميده بنويسانند يا بصيغه جدا گانه درج كنانند در ينيما تسميكة ايماي صاحبان كونسيل تجارت صادر شود مطابق آن بعمل آرند اما تا زمانيكه در باب اندراج اخراجات مذكور از صاحبان كونسيل تجارت ايما حاصل نساژند به خرجه اخراجات مذكور را در حساب ما هوارى داخل ننمايند و تا حصول ايماي صاحبان كونسيل تجارت چو ابد هي اخراجات مذكور بدمه صاحبان مكتر پرمست خوانند بود *

ذکر اینکه صاحب مكتر پرمست هر چه خرچ نمايند آنرا بدون حكم صاحبان كونسيل تجارت داخل حساب نخرانند نمود *

دفعه سي و سوم

واضح ولاييح باد تا غايب بودن صاحب مكتر پرمست يا خالي بودن عهد اوشان جميع احكام قانون هذا كه در باب صاحب مكتر پرمست اندراج يافته براستنته و نايب اوشان در صورتيكه آنها نوكر كمپني باشند لازم خواهد آمد *

ذکر لازم آمدن احكام قانون هذا بر صاحب خور دونايبان صاحب مكتر پرمست *

A TRUE TRANSLATION,

H. P. FORSTER.

قانون چهارم سنه ۱۷۹۵ عیسوی

قانون در باب تبدیل بعض احکام دفعه سوم و دفعه سوم ضمن دفعه هشتم و دفعه نهم قانون سیم ۱۷۹۳ عیسوی که مشتمل است بر انعامیکه بکرویندگان در جلدوی دادن خمر تیاری و روانگی و آمدنی نمک که بی اجازت سرکار بعمل آید داده شود در باب از دیات انعام و سزاوار گردانیدن نوکران سرکار را در باره یافتن آن و در باب تغیر و تبدیل اواسر و نواهی مندرجه دفعه چهارم قانون سیم سنه ۱۷۹۳ عیسوی و دفعه هفتم سی و چهارم و سی و پنجم قانون چهل و دوم سنه ۱۷۹۳ عیسوی که در باره نمکی که از بندر مسقط آمدنی می شود واقع است واقع بتاریخ غره ماه جون سنه ۱۷۹۵ عیسوی مطابق بیست و یکم ماه جیتهه سنه ۱۲۰۲ بذمه موافق بیست و هشتم ماه جیتهه سنه ۱۲۰۲ فصلی مطابق بیست و یکم ماه جیتهه سنه ۱۲۰۲ ولایتی موافق بیست و هشتم ماه جیتهه سنه ۱۸۵۲ نسبت مطابق دوازدهم شهر ذیقعد سنه ۱۲۰۹ هجری *

دفعه اول

گورنر جنرل تصور نمودند که در صورت از زیاد انعام که بموجب قانون سیم سنه ۱۷۹۳ عیسوی بابت قرق نمودن نمکی که بی اجازت تیاری یا روانگی یا آمدنی آن گردد و انا گردیدن آن بلا توقف و اهمال و مستوجب گردانیدن نوکران سرکار متعلقه نمک محال را به یافتن آن که هنوز باوجود گوارا ساختن صنعت های بسیار در باره گرفتار نمودن آن ثمره از آن بانها حاصل نیست یقین است که مرتکب شوندگان این معنی گرفتار آیند و افشای راز آنها گردد و اکثر اوقات آمدنی نمک بی اجازت سرکار از بندر مسقط گردیده است لهذا بمد نظر انسداد سرشنه کار و بار نمک که بی اجازت سرکار بعمل آید و عدم اتلاف حقوق قاچران نسبت بآمدنی نمک بندر مذکور از روی تعداد معین احکام مرقومه الذیل صادر فرمودند *

دفعه دوم

کسانیکه خمر بی اجازت تیار ساختن یا فروختن یا روانه کردن یا آمدنی نمودن نمک در صوبه بنکالا و بهار و انطرف صوبه اودیسه که در حوزه تصرف کمپنی انگریز بهادر است یا هیچیک نوع کار و بار نمک که بطریق غیر حایز باشد بدهند

ذکر انعام که به غیران بابت رسانیدن خمر تیاری و غیره نمک که بطریق

قانون چهل و نهم سنه ۱۷۹۲ عیسوی

هیر جایز بوده باشد
 داده خواهد شد*
 ذکر انعامیکه بعمله سرکار
 در صورت قرق نمودن
 نمک غیر جایز داده
 خواهد شد*
 و از روی خبر آنها نمک بقرق در آید بر مالیت نمک مذکور فی صل بیعت و
 پنجروبیبه انعام خواهند یافت و مالیتش بموجب قیمت متوسط نیلام گذشته بابت
 نمک پیدایشی محالیکه در آن نمک مذکور گرفته شده بود منقح خواهد
 گردید و اگر عمله سرکار که بانها خبر اینمعنی رسد بگرفتن آن پردازند همان
 قدر انعام اعنی بر مالیتش فی صل بیست و پنجروبیبه خواهند یافت لیکن
 بصاحبان کونسل تجارت اختیار است که یککس یا زیاده از آن آنچه بلحاظ حسن
 ترددات آنها مناسب دانند انعامات مذکوره را تقسیم نمایند *

دفعه سوم

در صورتیکه عمله سرکار بدون یافتن خبر از احدی نمک مرقومه الصدر خود
 بقرق در آزند پس انعام بر مالیتش بر قیمت متوسط نیلام گذشته بابت نمک
 پیدایشی محالیکه در آن نمک مذکور گرفته شده بود فی صل بحساب پنججاه رویبه
 داده خواهد شد و بصاحبان کونسل تجارت اختیار است که بلحاظ حسن ترددات
 عمله مذکور آنچه مناسب دانند خواه بیگکس یا زیاده ازان انعام مزبور را
 تقسیم نمایند *

دفعه چهارم

بکسانیکه دادن انعام بابت رسانیدن خبر یا قرق نمودن نمک مرقومه الصدر
 جایز باشد و قتیکه ضبطی آن منظور شود و حکم مکمل درباره آن صادر گردد
 همانوقت انعام مذکوره بانها خواهند داد *

دفعه پنجم

ذکر انعامی که بابت نمک
 مندراج و غیره بقرق در
 آید داده خواهد شد*
 نمکی که از طرف مندراج و دیگر ممالک غیر داخلی که پنی انگریز بهادر بعنوان
 هیر جایز بیاید و بقرق در آید بابت آن انعام از روی قیمت همانقسم نمک که
 در نیلام گذشته بفروش در آمده باشد داده خواهد شد *

دفعه ششم

ذکر در و منسوخ شدن
 بعض دفعه قانون سیم
 و قانون چهل و دوم
 سنه ۱۷۹۳ عیسوی و مقرر
 گردیدن احکام بعضی آن
 بموجب دفعه هذا دفعه چهارم قانون سیم سنه ۱۷۹۳ عیسوی و دفعات سیم
 و چهارم و سیم و پنجم قانون چهل و دوم سنه ۱۷۹۳ عیسوی بعد غره ماه اگست
 سنه ۱۷۹۵ عیسوی رد و منسوخ خواهد شد و عوض احکام مرقومه اللیل بعدل
 خواهد آمد*
 دفعه هفتم

دفعه هفتم

دفعه هذا مشتمل است بر سه دفعه اول اینکه چون احتمال اینمعنی شد که نمک تیار ساخته جزیره بهمی یا قرب و جوارش بارها با ظهار بودن نمک مسقط آمدنی گردیده است لهذا اختیار سابق نسبت بآمدنی نمودن و دصل من نمک بندر مسقط بر هر یک جهاز که از بهمی برسد موقوف کرده شد *

ذکر موقوف شدن اختیار آمدنی نمودن نمک مسقط بر جهاز که از بهمی برسد *

دوم اینکه هیچیک نمک مسقط با ظهار نمک مسقط در صورت روانه نشدن جهاز از بندر مسقط و همراهش نمودن اطلاعنامه صاحب برمت بندر مسقط بدینمضمون نمک هذا پیدایش مسقط است در بنکلا و بهار و آنطرف اودیسه که در حوزه تصرف کمپنی انگریز بهادرست میروند آمدنی نخواهد گردید *

ذکر طریقہ آمدنی نمک مسقط *

سوم اینکه بر هیچیک جهاز نمک زیاد از پانصد من بوزن هشتاد و دو روپیه سکه فی انار آمدنی نخواهد شد *

ذکر مقدار نمک که بر یکیک جهاز آمدنی خواهد شد *

دفعه هشتم

در صورتیکه کسی نمک بندر مسقط گفته برخلاف اسناع مندرجه دفعه صدر آمدنی نماید نمکش ضبط خواهد شد و در صورتیکه کسی خمر نمک که برخلاف حکم سرکار آمدنی نموده باشد بدهد بر قسمت فروخت آن که در نیلام گذشته شده باشد فی صد بحساب بیست و پنج روپیه انعام خواهد یافت و دیگر بیست و پنج روپیه بر عمله که انرا قرق نموده باشد تقسیم خواهد گردید اما اگر عمله سرکار بدون یافتن خمر از کسی قرق نموده باشد پس نعام بموجب دفعه دوم و سوم قانون هذا بقرق کنندگان مزبور تقسیم خواهد گشت *

ذکر ضبط شدن نمک که بر خلاف اسناع دفعه صدر آمدنی شود و تقسیم انعام بمخبر و قرق کنندگان *

دفعه نهم

نمک سندها که آمدنی آن از بندر مسقط بموجب قانون هذا منظور است هرگاه برسد بقیمت فی صد من دو صد روپیه و بوزن فی انار هشتاد و دو روپیه سکه در سرکار گرفته بکوله سرکار واقع مقام سلکها داخل کرده خواهد شد و نایب سکوتربی کونسل تجارت از مقدار آمدنی آن بصاحب کلکتر محصول سرکاری خبر خواهند داد و وقتی که رسید آن کوله دار مذکور خواهد کلدانید زر قیمتش از دفتر نمک محال بشرح و حساب مسطور داده خواهد شد و زر رسوم بابت روانه که فی صد سی روپیه سکه معین است و زر محصول بر آمدنی آن که فی صد چهار روپیه بر قیمت معینه آن تا حال داده میشود از آینده گرفته نخواهد شد *

ذکر اینکه نمک مسقط بقیمت معین در داخل سر خواهد شد *
ذکر خبر کردن بصاحب کلکتر محصول سرکاری از مقدار آمدنی نمک مسقط و اینکه قیمتش کدام وقت داده خواهد شد *
ذکر موقوف شدن بعضی محصول *

قانون چهل و پنجم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

دفعه دهم

ذکر بحال ماندن دفعه پنجم قانون سیم سنه ۱۷۹۳ عيسوي مفوض
اختیاریکه بعمله نمک بحال بموجب دفعه پنجم قانون سیم سنه ۱۷۹۳ عيسوي مفوض
گردیده است بحال داشته شد و صاحبان فوجداری و داروغه های پولیس را باید
که بدستور سابق باعانت و امداد عمله مذکور پردازند *

A TRUE TRANSLATION,

H. P. FORSTER.

قانون چهل و یکم سنه ۱۷۹۵ عیسوی

قانون در باب تصویب مقدمات مردمی که بر سهیل لاخراج بر اراضی لاخراجی واقع بنارس ماورای عطای بادشاهی و عنایت حاکم الملکی قابض اند یا دعوی داشتن ان کنند و تقرر مقدار خراجی که بر اراضی مذکوره بموجب دگری عدالت یا از حکم سرکار مستوجب خراج منصور شود واقع بتاریخ سی و یکم ماه جولای سنه ۱۷۹۵ عیسوی مطابق هجدهم ماه سانون سنه ۱۲۰۲ بنکه موافق بیست و نهم ماه سانون سنه ۱۲۰۲ فصلی مطابق هجدهم ماه سانون سنه ۱۲۰۲ ولایتی موافق بیست و نهم ماه سانون سنه ۱۸۵۲ نسبت مطابق سیزدهم شهر محرم سنه ۱۲۰۱ هجری *

دفعه اول

مطابق رواج قدیم این مرزبوم یک یک وجه مقرر منجمه حاصل هر یک بیکه زمین نقل یا جنس موافق رسم هر یک سرزمین حق سرکار معین است و تلف ان بهیچ وجه متصور نیست الا در صورتیکه حاکم الوقت وجه مذکور را بطریق وقت یا مداومت بکسی عطا نماید یا خزانه سرکار اراضی کسی مالک زمین بر مقدار مقرری موقوف داشته بشرط ادایش باقی حاصل اراضی مذکوره بمالک مسطور بگذارد پس این مراتب منجمه لوازم رواج مسطور مناسب بود که هرگاه کسی از زمینداران قسمت اراضی خود را بروس لاخراج بغیری عطا می گردان در حضور باطل می شد زیراچه بدینصورت حق سرکاری استرضای حاکم الوقت تلف می شود و واضح است که اگر مالکان اراضی درباره عطای اراضی خود ها بر سهیل لاخراجی از حضور اذن یافته می بودند خزانه سرکار وقت بوقت رو بکمی می آورد باوجود این ما قبل غره ماه جولای سنه ۱۷۷۵ عیسوی که در همین تاریخ ملک بنارس بعرضه تصرف کمپنی انگریز بهادر در آمده عطای اراضی متواتر از مالکان اراضی و کار پردازان سرکار که مأمور بامر تحصیل بودند بطریق اخراجات کارهای مذاهب یا خیرات بعمل آمده است اما در حقیقت حاصل کمتر اراضی آن در اخراجات کارهای مذاهب و خیرات می در آید و بیشتر اراضی آن خواه برای منافع ذاتی موهوب له خواه بمذاظر منعی حاصل بخرج و اهدا در آید منتقل گردیده یا باعث دفع حرایج مالک اراضی به بیح رسیده است پس مدارالمهام سرکار کمپنی انگریز بهادر بحفظ قواعد یک در هنگام تسلط اهل هند مروج بود مگر حکم نافذ فرموده اند که از جمله اراضی لاخراجی

قانون چهل و یکم سنه ۱۷۹۵ عیسوی

بلا استرضای سرکار عطای شهرت در اراضی ما بعد غره ماه جولای سنه ۱۷۷۵ عیسوی که در هفتم تاریخ ملک بنارس بحیطه تصرف کمپنی انگریز بهادر در آمده بعمل آمده باشد باطل خواهد شد از آنجا که گورنر جنرال تدارک حقوق سرکار را که در آن نسبت این قسم عطیات بلا استمائی مدار المہام بر عکس رواج این ملک تخلل راه یافته و نیز باز یافت اراضی لاجراجی که مبعاد آن منقضی گشته است منجمت و اجبات تصوری فرمودند و نیز چون مانگان اراضی را بمال کداری اراضی که عطایش بموجب ایما سرکار بعمل آمده است حقی نیست و نیز باز یافت کردن اراضیکه آنها بر سبیل لاجراجی بمردمان عطا نموده اند به آنها جایز نیست زیراچه بمر دو صورت اراضی مذکور مشتمل جایداد جمع سرکار در بند و بست ده ساله نیامده بود اما با وجودیکه باز یافت اراضی لاجراجی که عطایش بر سبیل غیر مجوز بعمل آمده سلحوظ و مسطور است تا هم کسانی که اراضی لاجراجی بوسیله دست اویز معتبر بدست دارند در باره استقامت حقوق به تحت تصرف آنها گورنر معزالیه بدرجه مساوات مصروف میباشند سوای آن گورنر جنرال را تمنا بسیار است که باعث باز یافت گردیدن اراضی لاجراجی که عطایش بر سبیل ممنوعه پیش از سنه ۱۱۹۶ فصلی بعمل آمده باشد بمصرفان آن اراضی حتی التوسع تصدیقه وارد حال نشود چنانچه بلحاظ اینکه در تجویز حقوق لاجراج داران چیزی ظلم و سخت طلسمی بوقوع نیاید چنان مقرر فرمودند که دعوی خزانہ اراضی لاجراجی از جانب سرکار بشرط نوشته دادن لاجراج داران کیفیت اراضی خود ها یا کار پردازان سرکار حسب مرقومه قانون هذا بعدالت رجوع گشته معامله حقیقت آنها تجویز و انفصال گردد و تا هنگامیکه حقوق لاجراج داران مزبور از روی تحقیق و دگری عدالت نا منظور ثابت نشود مال کداری سرکار بر اراضی لاجراجی آنها مقرر نگردد پس بدریافت مراتب مندرجه صدر و بملاحظه اینکه باز یافت اراضی که عطایش بر سبیل ممنوعه بعمل آمده باشد بر طریق اسانی بعمل آید و هم سبیل وقوع این قسم عطیات یا آینده که میباید از آن در استقامت جمع مقرری سرکار که الحال بر اراضی مانگان زمین جهت مدام مقرر گردیده خللی راه یابد مسدود شود و نیز بهی اراضی لاجراجی متعلقه یکیک ضلع و شهر تیار شده در سرکار و نیز نزد صاحب کلکتہ شهر و اضلاع بنارس هر وقت موجود باشد لهذا احکام بدفعات ذیل مندرج میگردد *

دفعہ دوم

دفعہ هذا مشتمل است بر پنج دفعہ اول اینکه زمین لاجراجی که عطایش قبل از غره ماه جولائی سنه ۱۷۷۵ عیسوی که در هفتم تاریخ ملک بنارس بحیطه تصرف کمپنی

ذکر اینکه اراضی لاجراجی که عطای آن قبل تاریخ

غره ماه جولائی سنه ۱۷۷۵ عیسوی بعمل آمده باشد بشرط دخل یافتن موهوب له بران اراضی پیش تاریخ مذکور و مقرر نکردیدن جمع سرکار بران اراضی از تاریخ مذکور باز یافت نخواهد شد *

ذکر اینکه اگر کسی باین دعوی که عطای زمین لاخراجی هذا قبل غره ماه جولائی بعمل آمده بود نالش نماید و اثبات رسد که خراج آن بعد تاریخ مذکور از حکم کار بردار سرکار معین شده صاحب عدالت در صورت اشتباه اینکه کار بردار مذکور اختیار نکر جمع سرکار نداشت کیفیت آن بحضور نوشته موافق انفصال حضور فصل نماید *

ذکر عدم استماع دعوی زمین لاخراجی که خزانه آن از دوازده سال پیش از تاریخ استغاثه مدعی مقرر است سوای در حالات مستثنی *

ذکر اینکه اگر زمین بطریق لاخراجی قبل تاریخ مسطور الیه تن مشروط به مدت العهر موهوب له عطا گردیده با لفعل بران خراج مقرر است دگری بحالی آن سوای بنام موهوب له بنام دیگری نخواهد گشت *

کمپنی انگریز بهادر در آمده است بعمل آمده باشد بر و اهب ای زمین ملحوظ نه گردیده خواه دست او بران باشد یا نباشد این همه زمین بشرط اینکه موهوب له در اصل پیش از تاریخ غره ماه جولای سنه الیه بران زمین دخل یافته باشد وهم از تاریخ مذکور گاهی بران زمین از حکم سرکار یا از حکم احدی از کار برداران سرکار خزانه مقرر شده باشد بدستور بحال و بقرار خواهد بود اما در حالتیکه بعدالت نموت شوند که موهوب له مذکور قبل تاریخ مذکور دخل یافته یا نیافته بود لیکن مال گذاری آن زمین معین گشته زمین مذکوره بدستور بحال نخواهد بود *

دوم اینکه در صورتیکه کسی در معامله هیچ یک زمین لاخراجی بدعوی بحالی آن بر سهیل لاخراجی بطرز سابق ناظهار اینکه عطای زمین هذا پیش غره ماه جولای بعمل آمده بود مستغاثی شود و بعدالتیکه نخسبب تجویزان بعمل آید یا بعدا لنبیکه اپیل آن شود اگر به نموت رسد که موهوب له بران زمین پیش تاریخ مذکور بدون مال گذاری قابض بود اما بعد تاریخ مرقوم از حکم احدی کار بردار سرکار بران زمین مال گذاری معین شده باشد و صاحب عدالت را با اختیار داشتن آن کار بردار به تعیین مال گذاری سرکار چیزی شک بخاطر رسد درین صورت صاحب موصوف را باید که با انفصال آن معامله توقف ورزیده بحضور گورنر جنرل بر نکارند گورنر معز الیه درباره اختیار داشتن یا نداشتن آن کار بردار بدریکجه ایما فرمایند بر طبق آن صاحب موصوف معامله مذکور را انفصال نمایند لیکن معاملات زمین که مال گذاری سرکار از مدت دوازده سال قبل تاریخ استغاثه مدعی بعدالت بران زمین معین باشد دعوی لاخراجی نسبت بان زمین مسموع نخواهد شد مگر در صورتیکه مدعی باعث معقول عدم ارجاع و اجوای دعوی خود در عدالت بعرصه دوازده سال مرقوم مطابق مندرجه دفعه هشتم قانون هفتم سنه ۱۷۹۵ عیسوی ظاهر نماید *

سوم اینکه بمعاملات زمین لاخراجی که عطای آن قبل غره ماه جولائی سنه ۱۷۷۵ عیسوی بعمل آمده اما الحال بران مال گذاری معین است اگر در سند آن زمین مبعاد بحال ماندن آن بر سهیل لاخراجی صرف بر موهوب له تاملت العمر او مندمج باشد یا در سند آن زمین چنان مندمج نباشد یا سند مذکور دستیاب نشود یا سند آن زمین گاهی حاصل نگردیده باشد اما از دریاقت قسمیت و اسمیت آن زمین متحقق شود که بحال داشتن آن موافق دستور قدیم اینملک صرف بر موهوب له تاملت العمر او موقوف است درین صورت بصاحبان عدالت از روی دو دفعه مندرجه صدر اجازت این مراتب متصور نشود که دگری بحالی اینقسم زمین بر سهیل لاخراجی سوای با سه موهوب له در مرقوم با سه دیگری نماید *

ذکر اینکه قبل تاریخ غره ماه
جولای سنه ۱۷۷۵ عیسوی
مشروط تا حیات موهوب له
عطا شده بعد وفات دخیل
کار حال وارث ان بران
زمین بطریق لاجراچی
بحال لاجرا عمل بود *

چهارم اینکه در معاملات زمین لاجراچی که عطایش قبل تاریخ غره ماه جولای
بعمل آمده اگر در سند ان زمین میعاد بحال بودن ان صرف بر موهوب له
تامینت العمر او مندمج باشد یا در سند ان زمین چنان میعاد مندمج نباشد
یا سند مذکور دست یاب نشود یا سند ان زمین کاهی حاصل نگردیده باشد
اما از در یافتن تسهیم و اسمیت ان زمین متحقق شود که بحال داشتن ان صرف
موافق دستور قدیم اینملک بر سبیل لاجراچی بر موهوب له تا مدت العمر او
موقوف است درین صورت بعد وفات کسی که بالمعمل بران زمین قابض است
حق تصرف وارث او نسبت به زمین مذکوره بر سبیل لاجراچی منصور نخواهد
شد و نیز اگر در سند زمین لاجراچی مزبور این مراتب که زمین مذکوره
موروثی است مندمج نباشد درین صورت هم سواي در حالیکه پیش صاحبان
عدالت از دریافت تسهیم و اسمیت ان زمین متحقق شود که زمین مذکوره
مطابق دستور الملک از قسم زمین موروثی است بعد وفات کسی که بالفعل بر
ان زمین دخیل باشد حق تصرف وارث او نسبت بزمین مذکوره منصور
نخواهد شد بلکه در معامله زمین لاجراچی که از روی دفعه هدا موروثی متحقق
نه شود بعد وفات کسی که بالفعل بران دخیل باشد اگر عند التجریز به ثبوت
رسد که قبل تاریخ غره ماه جولای سنه الیه یکس یا زیاده از ان بران زمین
حلی التوالی قابض گردیده بودند درین صورت باوصف اینکه احدی از صاحب
عدالت در باب تعیین مالکداری ان دگری نمایند بر زمین مذکوره بغير حکم
گورنر جنرل مالکداری مقرر نخواهد شد و درین چنین حالت صاحب موصوف
را باید که نقل رویداد و دگری ان معامله را بحضور گورنر جنرل ترسیل نمایند و
گورنر جنرل درین معنی اختیار دارند که در باب تقرر مالکداری یا بحالی زمین
مذکوره بدستور لاجراج هرجه مناسب دانند حکم صادر نمایند *

ذکر اینکه زمینیکه قبل
غره ماه جولای سنه ۱۷۷۵
مشروط بحیات موهوب له
عطا شده باشد و با
وصف ان باثبات رسد که
قبل تاریخ مذکور یکس
یا چند کس متوانر
بران دخیل گشته بود
بعد فوت دخیل کار حال
بدون حکم گورنر جنرل
خراج ان مقرر نخواهد شد

ذکر اینکه عطا زمین
لاجراچی که مشروط
بایات موهوب له و قبل
غره ماه جولای سنه ۱۷۷۵
عیسوی بعمل آمده
باشد دخیل کار حال ان
زمین را نمی باید که جهت
میعاد زیاده از بقیه عمر
خود بدیگر منتقل سازد *
ذکر اینکه اگر زمین
مذکور از حکم سرکار موروثی

پنجم اینکه در صورتیکه هیچ یک زمین لاجراچی که عطا ان بشرط حیات
موهوب له پیش از غره ماه جولای سنه الیه بعمل آمده و بموجب دفعه
صدر هیر موروثی مثبت شود و بالفعل کسی که بران دخیل باشد آنکس را امر
نخواهد بود که زمین مذکور را برای میعاد زیاده از بقیه زندگی خود بکسی
دیگر از روی بیع یا نوع دیگر منتقل کند یا رهن دهد در صورت وقوع انتقال
یا رهن ایقسم زمین بر عکس تا کید مذکور باطل متصور خواهد شد اما لایح
بد که در باره موروثی مانند ان زمین مذکور از سرکار یا کسی کار پرداز که اختیار ان
داشت حکم ورود یافته باشد درین صورت بعد وفات دخیل کار حال هم مال
کداری بر زمین مذکور مقرر نخواهد شد بلکه اینقسم زمین خارج از قواعد
مرفومه

قانون چهل و یکم سنه ۱۷۶۵ عيسوي

قرار يابد بعد فوت شدن
دخيل كار حال خراج بران
زمين مقرر نخواهد شد *

مردومه دفعه صدر و دفعه هذا متصور خواهد گرديد در صورتیکه بهیچ یک عدالت
اشتباه اين مراتب شود که کار پرداز مذکور اختيار ورود حکم مبرومي ماندين ان زمين
داشت يانه صاحب ان عدالت را بايد که با انفصال معامله مذکور تعويق نموده
کيفيت ان بحضور کورنر جنرل برنگارند کورنر جنرل معزاليه درباره اختيار داشتن يا
نه داشتن ان کار پرداز سرکار نوهيکه ايما نهايند موافق ان صاحب عدالت
معامله مذکور را فيصل نهايند *

دفعه سوم

ذکر اينکه عطاي زمين
که بطريق لاجراحي بعد
غره ماه جولاي سنه ۱۷۷۵
عيسوي بعمل آمده و
منظوري ان هم نشده باشد
همه باطل خواهد شد *

دفعه هذا مشتمل است بر سه دفعه اول اينکه عطاي هر کدام زمين لاجراحي که
بعد تاريخ غره ماه جولاي سنه ۱۷۷۵ عيسوي و ماقبل سنه ۱۱۹۶ فصلي بلا اجازت
سرکار بوقوع آمده و منظوري آن نیز در سرکار يا نزد هيچیک کار پرداز سرکار
که اختيلر و مدار منظوري داشت نشده باشد اينقسم موهوبات باطل خواهد شد *

دوم اينکه در حالیکه نسبت به اختيار کسي کار پرداز سرکار درباره منظوري
عطاي زمين مذکوره دفعه صدر بهیچ یک عدالت شهي و شكي واقع ايد صاحب
ان عدالت را بايد که با انفصال آن معامله تاخير کرده کيفيت آن بحضور کورنر جنرل
بنويسند کورنر معزاليه درباره اختيار داشتن يا نداشتن ان کار پرداز نوهيکه ايما
نهايند صاحب موصوف موافق ان انفصال سازند *

بعمل آرند *

ذکر اينکه عطاي زمين
لاجراحي که زياده از ده
بيگه نباشد بران
خراحي مقرر نخواهد
گرديد *

سوم اينکه عطاي زمين لاجراحي که زياده از ده بيگه نباشد و پيش از تاريخ غره
ماه جولاي سنه ۱۷۷۵ عيسوي بوقوع آمده و ماحصل ان در حقيقت براي تصرفات
ديول يا معاش بر همنان يا ديگر کارهاي مذاهب و خيرات خرج ميشود از روي
دفعه اول ضمن دفعه سوم متصور نشود که بر ان زمين خواه مشروط بر مدت العمر
موهوب له بوده باشد خواه نموده باشد مالکداري معين مي تواند شد بلکه
بر جمع زمين لاجراحي که زياده از ده بيگه نباشد و عطاي ان پيش از تاريخ
مندرجه صدر بعمل آمده و ماحصل ان تا اين زمان با موهوب مذاهب و خيرات صرف
میکردد معين نخواهد شد *

دفعه چهارم

ذکر اينکه مراتب مردومه
دفعه هذا صرف در باب
تعين مالکداري زمين
لاجراحي موهوبه قبل
سنه ۱۱۹۶ فصلي منحصر

بقانون هذا مدار چيکه نسبت بر زمين لاجراحي که عطاي ان قبل از سنه ۱۱۹۶
فصلي بوقوع آمده مشتمل است صرف متعلق و موقوف تعين اين مراتب است
که زمين مذکوره لايق مقرر مالکداري هست يا نيست چنانچه هر گاه از روي اين
قانون بر زمين مزبور مالکداري معين شود اگر در باب حق مالکيت ان زمين

قانون چهل و یکم سنه ۱۷۸۵ عیسوی

است نه بر تحلیفات
مالکیت کسی *

در میان و اهدب و موهوب نه یا وارثان آنها قضیه واقع شود آن قضیه از قبیل ذاتی آنها متصور گردیده مانند دیگر تصایا بعدالصله دیوانی انحصار خواهد شد موهوب نه یا دیگری که الحال بران زمین مداخلت دارد قلم مانیکه موافق دیگری بیدخلی او نشود مالک آن زمین متصور گشته حقوق مالکیت آن زمین مانند حقوق هر کدام مالکان زمین خراجی با و خواهد رسید و هر قدر خزانه سرکار بر زمین او معین است او را باید که قرارداد آن مطابق قانون بند و بست مقرری بر تقدیر بودن حضوری یا سرکار و بر تقدیر بودن آن زمین شامل اراضی مالک زمین یا مالک مذکور و بر تقدیر بودن آن شامل اجاره اجاره دار یا اجاره دار مذکور و بر تقدیر بودن آن ترخاص تحصیل سرکار یا کار پرنظر سرکار یا کار پرداز سرکار بعمل آرد در صورتیکه حقوق مالکیت احدی از آن یا هر دو کسان موافق دیگری عدالت متحقق نه شود و حقوق مذکوره بکسی که رسد مالکدار یک بر زمین مذکور مقرر باشد ادای آن بدستور مندرجه صدر دفعه هذا بر دخیل کار حال واجب خواهد شد *

دفعه پنجم

ذکر اینکه بعد از مطلق
بیدخل نکردیدن مالک
از زمین موهوبه بدستور
رواج سابق و الحال مانند
حقوق مالکیت او و مقرر
شدن خراج بران اراضی
برای گذران او و جمعی
معقول خواهد شد *

بعد از مطلق بیدخل نکردیدن مالک از زمین موهوبه بطریق دستور سابق و الحال مانند حقوق مالکیت او نسبت بر زمین مرقوم حسب مرقومه الصدور مقرر گشتن مالکداری آن زمین بعنوان مندمجه دفعه ششم و هفتم و جمعی شایسته برای گذران او حاصل خواهد بود مثلاً اگر عطای زمین مذکوره بعد غره ماه جولائی سنه ۱۷۷۵ و قبل می و یکم ماه آگست سنه ۱۷۸۱ عیسوی بوقوع آمده باشد زمین مذکور تحت و تصرف مالک زمین بوده بطوریکه عقب ذکر آن می آید مالکداری آن بحساب نصف مالکداری دیگر زمین خراجی و اگر عطای زمین مذکوره بعد تاریخ مرقومه و ماقبل سنه ۱۱۹۶ فصلی بوقوع آمده باشد مالکداری آن بحساب دیگر زمین خراجی آنچه از روی قانون بند و بست مقرری معین است مقرر خواهد شد *

دفعه هشتم

ذکر اینکه زمینیکه عطای
ان بر رسیدن لاخراجی قبل
سنه ۱۱۹۶ فصلی بعمل آمده
در زیاده از پنجاه بیگمه
نماند مالکدارییکه بران

زمینیکه عطای ان بر رسیدن لاخراجی در یک موضع یا چند موضع ماقبل سنه ۱۱۹۶ فصلی بعمل آمده باشد در حالیکه آن زمین در مقدار از روی پیمایش مروج برگشته که در آن زمین مذکوره واقع است افزون از پنجاه بیگمه نماند مالکدارییکه بران زمین از روی دفعه نهم مقرر شود ان مالکداری با وصف مراتب مرقومه دفعه پنجم

قانون چهل و یکم سنه ۱۷۹۵ عیسوی

مقرر شود آن حق کدام
کس خواهد بود *

پنجم قانون بیست و هفتم سنه ۱۷۹۵ عیسوی حق مالک زمین یا پتی دار که زمین
مذکوره در میان آن زمین یا پتی واقع خواهد بود و تا حاصل ماندن قراردادیکه
مالک زمین یا پتی دار در ماده ادای خراج ندهد خود بعمل آورده باشد چیزی
افزاید بعلت مالکنداریکه بر زمین لاخراجی مذکوره مقرر شود از آن مالک یا
پتی دار مذکور طلب نخواهد گردید و در حالتیکه بهنگام مقرر شدن خزانة بر
زمین مذکوره آن زمین یا پتی یا مانی محال اعنی خاص تحصیل باشد تا وقتی
که بند و بست آن زمین یا پتی یا مالک یا اجاره دار آن بعمل نیاید خراج
زمین لاخراجی مذکوره بهر کدامی که مالکنداری آن زمین یا پتی میرسد باو عاید
خواهد شد *

دفعه هفتم

ذکر اینکه اراضیکه عطای
آن بر سمیل لاخراجی
قبل سنه ۱۱۹۶ فصلی بعمل
آمده و زیاده از پنجاه
بیکهه باشد مالکنداری که
بر آن معین شود حق
سوار خواهد بود *

زمینیکه عطای آن بطریق لاخراجی خواه بیک موضع خواه بچند موضع ماقبل سنه ۱۱۹۶
فصلی بعمل آمده باشد در حالیکه آن زمین در مقدار از روی جریب رایجی برگشته که
در آن زمین مذکور واقعه است زیاده از پنجاه بیکهه باشد مالکنداری که بموجب
دفعه هشتم قانون هذا معین شود حق سوار خواهد بود و مالکنداری آن معرفت
مالکی که ملکیتش زمین مذکور خارج شده بموجب ضمن سوم دفعه چهاردهم
قانون دوم سنه ۱۷۹۵ عیسوی گرفته خواهد شد *

دفعه هشتم

ذکر قواعد تعیین جمع
زمین مرقومه دفعه
هشتم *

دفعه هذا مشتمل است بر سه دفعه اول اینکه مقول مالکنداری در باره زمین
مدرجه دفعه هفتم بموجب مرقومه الدلیل معین خواهد شد *

ذکر قواعد تعیین جمع
زمین مرقومه دفعه هشتم
که عطای آن بطریق
لاخراجی قبل سنه ۱۷۸۱
عیسوی بعمل آمده
باشد *

دوم اینکه در حالیکه عطای اراضی قبل سی و یکم ماه اگست سنه ۱۷۸۱ عیسوی بوقوع
آمده باشد مالکنداری سوار بر آن اراضی بقدر نصف ما حصل سالانه آن آنچه
بدستور مالکنداری دیگر اراضی متعلقه برگشته باشد مقرر خواهد گردید بر تقدیریکه
چیزی از زمین مزبوره غیر مزروعه باشد بهمالک آن تاکید خواهد گشت که او در
ابا همان مترجه شده مالکنداری آن از روی رسیدیکه بحد نظر قلت مالکنداری مزروعه
او صاحبان بورد بصرا بدید کورلر جنول مناسب داند میداده باشند و ما حصل
همگی زمین آن مالک از روی تحقیقات و پیمایش آن اراضی بدریافت خواهد آمد
و در حال قبول کردن مالک مذکور مالکنداری که بر آن زمین مقرر شود نصف خرج
آن تحقیقات و پیمایش بلده مالک مذکور و نصف بلده سوار خواهد گردید

قانون چهل و یکم سنه ۱۷۹۵ عیسوی

الا در حالیکه صاحب ملکتر را دریافت کردن ماحصل ان بدین قسم منظور نباشد پس بهر تقدیریکه صاحب موصوف بصواب دید صاحبان برود مناسب خواهند دانست ادراک ماحصل ان بعمل خواهد آمد در صورتیکه مالک ان زمین مالکداری سرکار هر آنچه بر ان زمین معین شود قبول نکنند پس اراضی مذکوره اجاره داده خواهند شد با پامانی محال داشته خواهد گردید و در صورتیکه قبول کند مالکداری مذکور آئینده تجاوز و تفاوت نکشته زمین مذکوره بهمان مالکداری بدست او و وارثان او یا کسیکه بیابد نسلا بعد نسل بر سبیل مقرری خواهد ماند *

سوم اینکه در حالیکه عطای زمین بعد سی و یکم ماه اگست سنه ۱۷۸۱ عیسوی بوقوع آمده باشد مالکداری سرکار بر ان زمین بر طبق دستوریکه در باب بند و بست زمین ملکیت خراجی بقانون پنجم سنه ۱۷۹۵ عیسوی مندرج است مقرر خواهد گردید و نیز ادراک ماحصل زمین مذکوره بطور مندرجه دفعه صدر بعمل خواهد آمد و خراج ان بدستور مرقومه دفعه مذکور مودی خواهد گشت در حالیکه مالک ان زمین مالکداری مقرر را قبول نه کند زمین مذکور بموجب قانون بند و بست مقرری باجاره مستاجر یا پامانی محال خواهد بود و در حالیکه قبول کند مالکداری مذکور آئینده تغیر و تبدیل نکشته زمین مذکور بهمان مالکداری بدست او و وارثان او یا کسیکه بیابد نسلا بعد نسل بر سبیل مقرری خواهد ماند *

ذکر قواعد تعیین جمع زمین مرقومه دفعه هشتم که عطای آن بطریق لاجراجی بعد سی و یکم ماه اگست سنه ۱۷۸۱ عیسوی بوقوع آمده باشد *

دفعه نهم

هر قواعد یکه بدفعه هشتم مندرج است آنهمه قواعد به تفاوت مراتبیکه شرح ان در ذیل مرقوم گشت نسبت بزمین مرقومه دفعه ششم هم مرعی خواهد شد تشریح مراتب مرقومه اینکه هر کدام مالک اراضی یا اجاره داری یا پتی داریا کار پرداز سرکار که با انها مالکداری ان زمین میروند بلاطلب اخراجات مساحت و غیره از موهوب له به تقدیم ماحصل زمین نیز پرداخته کیفیت ماحصل ان زمین جهت دریافت پیش صاحب ملکتر خواهند فرستاد صاحب موصوف مالکداری زمین مذکوره بر سبیل مقرری معین کرده از مقدار ان برای منظوری صاحبان برود به صاحبان موصوفین اطلاع خواهند داد صاحبان موصوفین بکم و بیش نمودن ان مختار خواهند بود و در حالیکه مالک زمین مذکوره باالمال مالکداری معین سر نتابد و آنرا قبول کند زمین مذکور بر سبیل پتی منضلی بدست او و وارثان او یا کسیکه بیابد نسلا بعد نسل بهمان مالکداری بطریق مقرری خواهد بود *

ذکر عنوان تعیین مالکداری زمین مرقومه دفعه ششم *

دفعه نهم

ذکر اینکه عطای زمین
لاخراجی که از ابتدای
سنه ۱۱۹۶ فصلی به وقوع
آمده باشد باطل خواهد
گردید

زمینیکه عطای آن بر وسیله لاجراحی خواه کم خواه زیاد از پنججاه بیکه من ابتدای
سنه ۱۱۹۶ فصلی سواي حکم گورنر جنرال به وقوع آمده باشد نسخ خواهد شد و اینکه
در ازی ایام قبض و تصرف این قسم زمین وسیله حق ملکیت کسی نسبت بزمن
مذکوره یا مالکداری آن متصور نخواهد گشت و مالکان اراضی و پتی داران و کسانیکه
آن اراضی یا پتی را از مالکان آن از دیگری یا از سرکار اجاره گرفته باشند و کار پردازان
سرکار به تحصیل مالکداری زمین یا پتی بابت محال امانی مقرر باشند اینهمه کسان
را اختیار بلکه حکم است که مالکداری زمین لاجراحی مذکوره را بموجب شرح نکرده
تحصیل نمایند و بغیر اینکه در عدالت رجوع آرند و بهیچ یک کار پرداز سرکار چه
ماتمل و چه مابعد اطلاع نمایند موهوب له را از حق ملکیت آن زمین بی دخل
نموده زمین مذکوره را در میان هر اراضی یا پتی مفصلی که واقع باشد شامل آن
گردانند و هر کدام مالک یا اجاره دار اراضی یا پتی دار که زمین مرقومه را باز یافت
نماید تا بحال ماندن قرار دادیکه بموجب آن خراج زمین یا پتی مفصلی یا اجاره
خود سربراه نماید باعث باز یافت کردن زمین مزبوره چیزی اضافه از او گرفته
نخواهد شد و نیز سربراه کاران زمین مشترکه اختیار بلکه حکم است که هر آنچه
اختیار بمالکان زمینداری و غیره از روی این دفعه حاصل است همان اختیار
از جانب مالکان مذکورین بعمل آرند *

دفعه یازدهم

ذکر اینکه مالکان زمین
و غیره بجه صورت خراج
اراضی لاجراحی مرقومه
دفعه ششم حاصل خواهند
نمود *

مالکان و اجاره داران اراضی و پتی داران یا تعلقداران که دعوی مالکداری اراضی
خراجی مرقومه دفعه ششم واقعات زمینداری یا اجاره یا پتی یا تعلقه خود ها داشته
باشند آنها را باید که دعوی مذکور را بعدالت دیوانی رجوع نمایند و هر یک مالک
یا اجاره دار اراضی یا پتی دار یا تعلقدار یا دیگری که بغیر حصول دگری عدالت برین
قسم زمین خزانة معین نموده بمعرض وصول درآمد بنام او آنکس که ازو خزانة
گرفته بدعوی خساره خود بعدالت استغاثه می تواند نمود در صورتیکه زمین هیچ
یک مالک اراضی یا پتی یا تعلق خاص تحصیل باشد اختیار دعوی مالکداری
زمین مذکوره دفعه ششم مذکور به شخصیکه خراج آن زمین یا پتی یا تعلقه بلو
می رسد علاقه خواهد گرفت و در صورتیکه زمین آن مالک یا پتی یا تعلقه آن
پتی دار یا تعلقدار بخاص تحصیل سرکار باشد اختیار دعوی خراج آن زمین
موجب ایمان صاحب ملکت عرض مالک آن به تحصیلداران و غیره کاربرد از آن
سرکار تعلق خواهد گرفت *

دفعه نوزدهم

زمین لاخراجی مندرجه دفعه هفتم که بموجب این قانون مستوجب تقرر خزانه سرکار باشد صاحب ملکتر را باید که موافق مندرجه دفعه چهاردهم بعن حاصل شدن اجازت صاحبان مورد دعوی خزانه آن زمین از جانب سرکار در عدالت رجوع سازند و امتداد زمان قبض و تصرف این قسم اراضی منافی دعوی مزبور متصور نخواهد شد *

دفعه سیزدهم

صاحب ملکتر دعوی مالکداری هر اراضی لاخراجی که در عدالت رجوع کرده درباره تقرر خراج آن دگری اخراج عدالت حاصل خواهند ساخت آنچه خزانه سرکار بطریق مقرری بران زمین معین خواهد گشت صاحب موصوف فی صل آن بحساب بیست و پنج روپیه در وجه رسوم خود خواهند یافت در صورتیکه دعوی مالکداری این قسم اراضی از صاحب ملکتر رجوع شده تا بحال بودن شان بکار ملکتری درباره تقرر مالکداری آن دگری اخراج عدالت حاصل نکرشته بوقت صاحب دیگر که بجای شان مقرر شوند حاصل شود درین صورت آنچه خزانه سرکار بران زمین معین شود رسوم آن صاحب ملکتر حال خواهند یافت صاحب ملکتر سابق نخواهند یافت مگر در حالیکه گورنر جنرال بدریافت حالات مقدمه مناسب دانند که رسوم مذکور را بصاحب ملکتر یکم نخستین دعوی خزانه در عدالت رجوع کرده بودند یا بصاحبیکه پیش از اختتام انفصال مقدمه مذکوره بجای صاحب ملکتر اول مقرر گردیده یا صاحب ملکتر یکم مقدمه مذکوره انفصال گردانیده دگری اخر مقدمه مذکور را حاصل نمایند جزو کل یا بطریق بیس و کم بهر واحد آنها بدهند *

دفعه چهاردهم

هرگاه صاحب ملکتر را مصلحت اینمعنی شود که چیزی زمین بمقدار زیاد از پنججا بیکه بدومی که عظامی ان بطریق لاخراجی قبل سنه ۱۱۹۶ قمری بطریق اولی آمده از روی عطا غیر مجوزة قبض و تصرف کسی هست درین صورت صاحب ملکتر را لازم است که هرچه کهبیت آن بدست دلربان یا حاصل ساختن توانند بصاحبان مورد بر طرازند و صاحبان موصوف را نیز در صورت کهباین اینکه اراضی مذکور قابل تقرر مالکداری سرکار است اختیار خواهد بود که جهت رجوع کردن دعوی مالکداری آن بعدالت دیوانی بصاحب ملکتر ایما نمایند که پیش از رجوع ساختن دعوی مذکور بعدالت قطعه نوشته بطلب دست اویزات بنام مالک آن اراضی صادر نمایند بدین مضمون

ذکر اینکه صاحب ملکتر دعوی خراج زمین لاخراجی مندرجه دفعه هفتم بعدالت رجوع سازند *

ذکر اینکه امتداد زمان قبض و تصرف زمین لاخراجی مانع دعوی خراج آن متصور نخواهد شد *

ذکر اینکه صاحب ملکتر که دعوی مالکداری زمین لاخراجی در عدالت رجوع نموده درباره تقرر خراج آن دگری اخر حاصل نماید فی صل بحساب بیست و پنج روپیه رسوم خواهند یافت *

ذکر اینکه ملکتریکه دعوی مالکدار نموده در عمل خود دگری اخر آن مقدمه از عدالت حاصل نکند رسوم آن سواي نرحالت مقرر نخواهد یافت *

ذکر اینکه هرگاه بصاحب ملکتر احتمال شود که زمین لاخراجی بعنوان غیر جایز قبض کسی هست بخران بصاحبان مورد برنگارند تا اینکه صاحبان موصوف اگر شایان دانند در باب ارجاع دعوی خراج بصاحب ملکتر ایما نمایند

ذکر اختیار صاحبان بود
در اینکه درباره طلب دست
او بیوات مالک اراضی
بصاحب ملکتر ایمانمایند

بدین مضمون که حسب المحکم صاحبان بود نکوش می رود که او هرچه دست
اوین قبض و تصرف زمین مذکور بطریق لاجراحی بدست خود داشته باشد در
عرصه فلان داخل سازد و صاحب ملکتر را باید که مالک مذکور هرچه دست اوین
داخل کند رسید آن بتمسیر در آورده حواش سازند در حالیکه مالک مذکور داخل
کردن دست اوین بعرصه مقرره انکار نماید یا مجوز عدالت شود صاحبان بود را اختیار
است که صاحب ملکتر را اجازت دهند که مکرر قطعه نوشته به مضمون سابق برای
داخل ساختن دست اوین مذکور تا یوم مقرره آن بتمام مالک مذکور صادر نمایند
و نیز وجهی جریمه یومیه بحسابیکه بعد نظر حالات مقدمه و رتبه و مقدار
مالک مذکور مناسب دانند برا و معین سازند و نیز جرمانه مذکور بروشیکه جهت
وصول زراعیات خراج سرکار مقرر است بوصول درارند در حالیکه مالک مذکور بتأکید
ثانی هم دست اوین خود تا یوم معین آن داخل نه نماید صاحبان بود را اختیار
است که تا حینیکه مالک مذکور دست اوین خود را داخل نسازد یا موافق دگر عدالت
بر آن زمین مالکداری معین نه شود زمین مذکور را بفرق دارند و مالکداری
آن در سرکار وصول گردانند و در صورتیکه مالک مذکور ظاهر سازد که نزد من
هیچ یک دست اوین زمین مذکور در عدالت چیزی دست اوین عدالت داخل کند یا در صورتیکه
مالکداری زمین مذکور در عدالت چیزی دست اوین عدالت داخل کند یا در صورتیکه
مالک مذکور تمامی دست اوین خود را پیش صاحب ملکتر داخل نکرده بعد ارجاع
دعوی مالکداری اراضی مذکور بعدالت سواي دست اوینیکه پیش صاحب ملکتر
موصوف داخل ساخته بود دست اوین دیگری بعدالت داخل نماید آن دست
اوینات بمنزله کواه متصور نخواهد گردید و هم در باره انفصال آن مقدمه اصلا
واقعی و اعتباری نخواهد داشت الا در حالیکه مالک مذکور سببی معقول عدم
داخل کردن آن ظاهر کند و نیز این مراتب که سبب مذکور را در جواب تأکید
نامه صاحب ملکتر اظهار نموده بود باثبات رساند اما صاحب ملکتر را نمی باید که
بدون استحصال اجازت صاحبان بود ماورای در صورتیکه از روی اشتها نامه مند مسه
دفعه بیست و پنجم امند و دست اوینات لاجراج داران برانده گرفتن فهرست
آن طلب نمایند و دست اوین کسی لاجراج دار بطلند و نیز صاحب ملکتر
را نمی باید که بی فعل اجازت صاحبان بود دعوی خزانة این نوع اراضی در عدالت
رجوع گردانند و در حالیکه صاحبان بود خود ها تصور نمایند که هیچیک زمینی
لاجراحی بعنوان غیر جایزه قبض و تصرف کسی هسه با وجود آنکه صاحبان
موصوف خبر آن از صاحب ملکتر نیافته باشند تا هم صاحبان موصوف مختار
اینمعی خواهند بود که در باره رجوع نمودن دعوی مالکداری بعدالت صاحب ملکتر
را ایمانمایند *

ذکر اینکه مالک مذکور
اگر دست اوین خود بطلب
اول داخل نکند جرمانه
ازو گرفته شود *

ذکر طریق وصول جرمانه
ذکر اینکه اگر مالک مذکور
بطلب ثانی هم دست اوین
خود داخل نکند اراضی
فرق شود *

ذکر اینکه اگر مالک مذکور
اظهار نماید بدست من
همه یک دست اوین
نیست یا جمیع دست اوین
را و بروی ملکتر داخل
نسازد بعد از هر دست
اوین داخل کند مسومه
نخواهد شد *

ذکر استننا حکم مرقوم
ذکر امتناع بصاحب ملکتر
در اینکه سواي بر داشته
گرفتن نقول دست اوینات
اراضی لاجراحی و مقرر
کردن خراج بران اراضی
بلا اجازت صاحبان
بود دست اوینات احلی
لاجراج داران بطلند یا
دعوی خراج او در عدالت
رجوع سازند *

ذکر اختیار صاحبان بود
در اینکه دعوی خراج زمین

دفعه پانزدهم

هرگاه شخصی که جهت نفع خود زمین را بفعل بران خراج مقروض است بر عمیل لاخراجی بنام سرکار در عدالت استغاثه نماید جوابدهی آن بصاحب ملکتر علاوه خواعد گرفت چرا که بموجب قانون هذا سرکار خود بمنزله مدعی علیه اند و سرال جواب آن دعوی و نیز دعاوی دیگر که درباره رجوع سلختن آن ار صاحبان بود بر صاحب ملکتر ایما رود باهتمام صاحب ملکتر معرفت وکیل سرکار بعمل خواند آمد و در حالیکه دکوی عدالت قدری یا تمامتر از آن در حق طرف ذاب سرکار شود و صاحب ملکتر از دکوی عدالت ناراض شوند درین صورت قواعد مندرجه دفعه سی و ششم یا دفعه دیگر قانون ششم سنه ۱۲۹۵ عیسوی هر چه نسبت بمعاملاتی که دعوی طلبیدن و گرفتن زر از وجه باقیات خراج بنام صاحب ملکتر بعدالت رجوع کشته دکوی اش در حق مدعی شود واقع است نسبت باین قسم معاملات هم مرعی خواعد شد الا همین قدر تفاوت خواهد بود که خریه این قسم معاملات از ابتدای ارجاع آن در عدالت از سرکار ادا خواهد شد و اینکه اگر بعد فیصل شدن آن معامله در عدالت ضلع صاحبان بود در باب اپیل آن بکورت اپیل مفصل ایما نکنند یا بعد انفصال اپیل آن معامله بکورت اپیل مفصل در باب اپیل آن بصدور دیوانی عدالت حکم نه نمایند در این هر دو وجه صاحبان بود را باید که باعث عدم اصدا را ایما ی اپیل آن معامله را بصدور کورر جنرل بر نگارند کورر جنرل در باره اپیل کردن یا نکردن آن معامله آنچه مناسب دانند حکم خواهند فرمود *

لاخراجی بدون خود دادن صاحب ملکتر در عدالت رجوع می تواند گشت ذکر اینکه آنچه استغاثه بد دعوی نفع مانند زمین لاخراجی از مردمان بعدالت رجوع شود جوابدهی آن معرفت وکیل سرکار بعمل آید * ذکر اینکه در صورت دکوی گردیدن آن دعوی در حق مدعی کدام کدام قواعد مرعی خواعد شد *

دفعه شانزدهم

در حالیکه صاحب ملکتر یا دیگر کار برد از سرکار یا کسی مالک یا مستاجر اراضی یا بقی دار دعوی خراج زمین که بالفعل لاخراج است در عدالت رجوع سازد یا در حالیکه کسی در باب بیعالی هیچ یک اراضی بر سمیل لاخراجی که بالفعل بر آن خراج مقروض است در عدالت دعوی کند و صاحب عدالت را متحقق شود که محض افترا است یا صرف برای اذیت رسانی یا از روی دیگر سبب نامعقول در پیش ساخته درین صورت صاحب موصوف را باید که وجه خرجه و قوا ان آنچه بلحاظ حالت مقدمه مناسب دانند از مدعی علیه بدشانند *

ذکر اینکه هرگاه هیچ یک دعوی که محض افترا یا مستنی بر اذیت رسانی از روی قانون هذا در عدالت برسد صاحب عدالت وجهی بطریق خرجه و تازان از مدعی بعمل علیه بدشانند

دفعه هجدهم

در صورتیکه عدالت تحقیق مقدمه هیچ اراضی لاخراجی که در سند عطای ان تاریخ

ذکر اینکه سند زمین